

گو گوش و قربانی
آشتی می کنند

فیلم و هنر

«گو گوش» و «رامش» دو ستاره از فیلم پرستاره «خیالاتی»

شماره ۴۲۲ - ۲۰ اردیبهشت ماه - ۱۵ دیال



لحظه اوج میگیرد

گرفته که مورد استقبال قرار گرفت. پوستر تازه ای نیز در دست تهیه است که بلافاصله پس از آماده شدن منتشر خواهد شد.

● امسال شرکت هواپیمائی ملی ایران همکاری نزدیکی را با سازمان جشنواره آغاز نموده است و در زمینه تهیه بروشورها و آفیشها جشنواره سیاستیاری مینماید. پوسترهای جدید سیاستی در معرض آماده شدن در کلیه کشورهای همجوار در دستاظر نمایش می رود که کرد و احتمال بسیار می رود که از این طریق گروهی علاقمندان شرکت در جشنواره از کشورهای همجوار با ایران سفر نمایند.

● کمیته اطلاعات و معارفه که فعالیت آن از روز ۲۶ اردیبهشت ماه آغاز خواهد شد هر شب قبل از آغاز برنامه رسمی جشنواره اقدام به معرفی هنرمندان و تهیه کننده هر فیلم نموده و از آنان خواهد خواست که بروی صحنه بیانند، هم اکنون نامه های دعوتی برای هنرمندان هر فیلم طبق برنامه ارسال شده است که در این جلسات شرکت کنند.

● کمیته داوران پنجمین جشنواره سیاستی اولین جلسه خود را هفته آینده تشکیل خواهند داد ضمن آشنائی با کمیته برگزاری جشنواره در مورد انتخاب رئیس کمیته داوران و شور و هیئت امون مسائل مربوط به تصمیمات لازم اتخاذ نمایند.

● کمیته داوران امسال متشکل از سه عضو صاحب صلاحیت و کارشناس امور هنری و راجعاً می باشد که از

طرف کمیته برگزارای انتخاب شده اند و چهار عضو متشکل از نمایندگان وزارت فرهنگ و هنر - تلویزیون ملی ایران - سندیکاى هنرمندان فیلم ایرانی و اتحادیه صنایع فیلم ملی ایرانی است. داوران پس از نرسیدن کدهشت جلسه رسمی جشنواره، سایر فیلمها را بعلت شوق وقت بطور خصوصی مشاهده خواهند کرد و از ساعت ۴ بعد از ظهر روز سه شنبه ۳ خردادماه در سالن کنفرانس هتل آریا شراون برای اخذ تصمیم تشکیل جلسه خواهند داد. و پس از انتخاب هنرمندان سال آراء خود را در اختیار رئیس جشنواره قرار خواهند داد.

● دوطی یکی در هفته اخیر مطبوعات تهران پیش از پیش توجه خود را معطوف سیاست نموده اند و اقدام بدرج مطالب دیر تازه ها و مساجدهائی با مسئولین جشنواره نموده اند. مجله تماشا - مجله تهران تصور طلی مصاحبه های بسیار رئیس جشنواره پیرامون مسائل مختلف سیاست خوانندگان خود را در جریان این رویداد مهم هنری سال قرار داده اند.

● مجله ایران نیز بدون دروغ نامه تهران جنرال - روزنامه آینه گان - و ماهنامه آذنگ مجله ستاره سینما - مجله کارگران نیز اخبار و مطالب بسیار و بسیار را چاپ نموده اند که از این همکاری صمیمانه سیاستی داریم.

● در هر حال از هفته آینده جشنواره سیاستی آغاز خواهد شد و ما شما را در جریان مهمترین اخبار راسا قرار خواهیم داد.

فیلمهای ۱۶ میلیمتری شرکت کنند:

آوازه خوان (کارگردان محمد رضا بزرگ نیا) شکفتن (کارگردان: سیروس مشفق) عروسک (کارگردان منوچهر افشاری) کتیبه (کارگردان فریبرز صالح) همهمان (کارگردان فریدون جوادى) طوبی (کارگردان ابراهیم دختاری) دنیای صامت (کارگردان عبدالله صافی) محکومین (کارگردان حمید هوبل)

فیلم های ۸ میلیمتری شرکت کننده:

نگاه (ساخته محمدعلی میاندار) روزیکه آقبای رح، ظاهر شد (ساخته بهنام جعفری) جاده (ساخته محمد جعفری) عروسکها (ساخته احمد توکلی) ماشین سحر آمیز (ساخته ابراهیم فرحی) بزرگ خشک (ساخته حسن بنی هاشمی) مرغ تپه دیا (ساخته درویش حیاتى) ارتقاع متروک (ساخته بهنام جعفری) آنسوئ آتین (ساخته کاوش عبیاری) شاید سپیده دم (ساخته محمد باغشنى) دختر شاه پسران (ساخته گیتی وحیدی) چاه (ساخته فرزانه حاتمى) - ابراهیم حقیقی) سرشاخ (ساخته احمد غفارمشى) چرخهای خوب - چرخهای بد (ساخته عباس مرشدی) کاوش (ساخته ساسان سلامت) نگاه (ساخته شهریار پارسى پور)

پانزده فیلم فوق از طرف سینمای آزاد در جشنواره شرکت داده شده است.

دزد قابلق (زمان خانى) مونسرال (لاجوردی) نیاسارا (لاجوردی) آب حوضی (اسداله نیک نژاد) گریز (علی غدیری) چرا؟ (احمد نیک آذر) سرگینجه یارم، من (محمد رضا داوری) جیمی در درون (احمد بصیرت پور) دوران کودکی (فصیحی فر) عاجز (علیرضا اردلان) احساس (فصیحی فر) سفر با صدائی غریب (حسین حاجت پور) زندگی بهتر (اسداله نیک نژاد) آدها، بیژن نیاورانی) سائل (حسن تقوی کیا)

آقای سردبیر

آقای سردبیر

نمایشگر سینما وقتی پیش برده و پلاکتهای بعضی از فیلمهای وطنی را مشاهده میکند، برای آن روز شماری میکند، و بی متأسفانه هنگام نمایش آن مشاهده میکند که گول تبلیغات را خورده و فیلم را عوضی آمده، زیرا در فیلم کثیف چیزی که نیست همان چیزهایی است که در آنونس و پلاکات آمده.

آقای سردبیر

چندی قبل فیلم بچه و لجناری را دیدم، در صحنه ای از فیلم، قهرمان داستان را با سه پسر و دو شنه و شکل جنونناک می شد و چنان حرکت ترسناکی از خود نشان میداد که بچهها جیغ و فریادگشان میکرد و کول مادرشان میپزدید. حتی بچهها ۱۳ ساله ای را دیدم که بزرگچادر مادرش رفت، بپتر است بچای صحنه های سکسی اینها را سو ترو کنند.

بزد - قاسم آب حیات

آقای سردبیر

تا گویا هنرمندان ایرانی بنایه های علاقتشان پاسخ نمیدهند و فرور آتار اثر فته است، بی تا کتون چندین نایه بسری ای هنر پنگان معروف فرساده ام که جوانی نداده اند، با آنها بگویند دل طر قهاران نشان را تر جانش، شهرت آنها هدیگی نیست.

تهران - مر ترضی فرشی

آقای سردبیر

در شهر ری سینما وجود ندارد و معدنی است ساختمان سینما لی که درست ساختمان است را کثیفه است و معلوم نیست سینما شود و بنا امین تر افیکه مشکل برای دین فیلم باستانی به تهران نییم، بوزارت فرهنگ و هنر بگویند برای این کار فکری کنند.

شهر ری - مر ترضی نکاور

دوره جدید ، چهره های تازه

هم علت آن، تصمیمات سریع متناخذه بود، اما اینک که دوره تازه ای آغاز شده است بسیار بجا است که هیئت مدیره ای که انتخاب شده با مطالعه بسیار دقیق در گزیریهای فیلمسازان را مورد مطالعه قرار دهند و از جنبه های مختلف آنهارا بررسی کرده و تصمیماتی اتخاذ کنند که بتواند ضمانت اجرای کامل داشته باشد.

نمی توان متکرر شد که در مقابل هر عملی که اتحادیه خواهد کرد با یستی منتظر عکس العمل نیز باشد و اگر اقداماتی انجام یابد که حقوق دیگران نیز در آن رعایت نشده باشد، بالطبع طرف مقابل نیز عکس العمل شدیدی انجام خواهد داد اما شک نیست که منتخبین جدید خواهند توانست که بسیاری از مشکلات را از یستی بسای فیلمسازان و اعضاء اتحادیه بردارند و با تشکیل جلسات متوالی بسا شرکت صاحب نظران سینما، تمام مسائل را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند تا شاید در دوره جدیدی که اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران آغاز نموده است شاهد موفقیت های تازه ای باشیم.

مادر مورد مسائلی که اعضاء اتحادیه با آن دست بگریباندند در شماره های آینده ما طی خواهیم نوشت و با تشکیل مین گروهائی هیئت رئیسه جدید را در جریان نظریات تهیه کنندگان قرار خواهیم داد.

● بالاخره پس از مدت ها اختلاف نظر و تشکیل جلسات متعدد، اعضاء اتحادیه صنایع فیلم ملی ایران طی یک جلسه جنجالی اقدام با انتخاب هیئت رئیسه دوره تازه خویش نمود که در میان منتخبین این دوره چهره های تازه ای بچشم خورد که نشان دهنده این مسئله است که اعضاء اتحادیه بخود آمده اند و علاقت مندند که درس نوشت خویش پیش از گذشته سهم و شریک باشند.

نزدید نیست که دودستکی های موجود در طی چند سال اخیر، اتحادیه را از بسیاری تصمیماتی که می بایست اتخاذ کند واداشته است و باعث گردیده است که از بسیاری جهات تهیه کنندگان ایرانی در مشوقه قرار گیرند در حالیکه اینک سینمای ایران به دوره تازه ای از حیثیات خود رسیده است که می بایست اقدامات وسیع و همه جانبه ای بخاطر حفظ حقوق خود دست بویا کند.

مسئله رقابت های بوداییل ، زدوبندهای سینما در شهرستانی، سرفتهای فیلم توسط عده های دلال و نمایش آنها در شهرستانهای دور افتاده و بسیاری مسائل دیگر بسبب گردیده که تهیه کنندگان از حقوق حقه خود بی بهره بمانند و توزیع کنندگان فیلم بخاطر زدوبندهای خویش حقوق آنها را پایمال کنند.

متأسفانه در سالهای قبل تصمیمات شدیدی در این موارد اتخاذ شد که بنتیجه نرسید و شاید

نشریه هننگی ، فیلم و هنر
صاحب امتیاز و مدیر ، عبدالمجید رضانی

آدرس اداره : ابتدای روزولت - شماره ۲ - آپارتمان شماره ۱۰ - شماره صندوق پستی : ۱۹۴۷

تلفن امور اداری : ۸۲۹۹۷۱ تلفن هیئت تحریریه : ۸۲۴۴۳۵

چاپ تهران منصور (تلفن ۳۱۵۱۸۰) - گراور از : جواهری (تلفن ۳۱۴۳۱۱ - ۳۹۲۴۱۱)

روی جلد : گوگوش و رامش (هنر پیستان فیلم خیالاتی) - تابلوها : پوری بنائی (هنر پیسه خیالاتی) - سیلوا گوشتا

محصولات جدید شرکت سینما تئاتر رکس

★ شرکت سینما تئاتر رکس که پس از تهیه تعدادی فیلم در سال گذشته، در فرمی در کار خویش پدید آورده است، اخیراً بطور مستقل سه فیلم **نفرین خروس و غریبه و مه را** تهیه نموده است که دو فیلم **نفرین و خروس** آخرین مراحل فنی اش طی می‌گردد و **غریبه و مه** نیز اینک جلوی دوربین است.

مخلاف اخبار منتشره کلیه فیلمهای مزبور در شرکت سینما تئاتر رکس رأساً اقدام تهیه نموده و خود عهددار توزیع آن است.

سختگوی شرکت سینما تئاتر رکس هر گونه وابستگی این فیلمها را با سازمانهای دیگر نکتیپ نموده و اظهار داشت که بدیهال تجریبات گذشته، این شرکت برای تهیه کلیه محصولات خود رأساً سرمایه‌گذاری مینماید و در طی چندماه اخیر از قبول توزیع محصولات سایر تهیه کنندگان خودداری نموده است.

شرکت سینما تئاتر رکس پروژه تهیه دو فیلم جدید را در دست دارد که یکی توسط **معون کیمیالی** باشناکت **پهروز و توفی** و دیگری توسط **نصرت کریمی** ساخته خواهد شد.

شیراندازی، هالو و مرتضی عقیلی را کاندید کرده است. قرارداد این فیلمها که امور فنی آن استودیو شهاب انجام خواهد شد. آلودی فیلمبرداری نماید.

خانم معلم شروع میشود

● عباس شهابی که در نظر داشت فیلم تمام آخر را در آریانساز فیلم تهیه نماید از فکر تهیه این فیلم که کارگردان آن شهناز قنبری بود منصرف شد و تصمیم دارد بمذاع نمایش و بدکاران خود تهیه و کارگردانی فیلم خانم معلم ادر این

صدای برداری پسر خواننده

● ناچند روز دیگر صدای برداری محصول تازه سازمان سینمایی تخت چشمه موسوم به «پسر خواننده» در این استودیو انجام خواهد شد. در این فیلم که سناریوی آنرا صادق

این فیلم که سناریست و کارگردان آن شهناز قنبری است ناسر مالک مطهری، مرتضی عقیلی، ارفسوان، بهرام وطن پرست و همایون شرکت دارند

شروع شد

● هفته گذشته فیلمبرداری محصول تازه سازمان سینمایی پانوراما که عنوان آن اطلاعات نداریم توسط حمید معتمدی آغاز شد و تا کنون قسمتهای آن از در تهران و شمال تهیه شده در این فیلم که کارگردانش ناصر محمدی است بهک ایما نوردی، نوچهر و توفی و چهار مجتهد افروز نقشهای اصلی را به عهددارند.

شوهر قسطی

● وحدت که این هفته کارگردانی محصول در دست تهیه استودیو نقش جهان را موسوم به «خوشگدازان» به پایان خواهد رساند تا چند هفته دیگر کارگردانی فیلم تازه‌ای را در این استودیو آغاز خواهد کرد بنام «شوهر قسطی» که برای ایفای نقشهای اصلی آن علاءالدین خورشید، بهمن مفید، ژاله کریمی، مرتضی عقیلی و شیراندازی را در نظر گرفته است این فیلم را عزیز زرقومی فیلمبرداری خواهد کرد.

عزیزان تا سینه‌دهم

● فتح اله متوجهی که سال گذشته فیلم خانوما را ساخت اینک مشغول فراهم آوردن مقدمات تهیه کارگردانی فیلم تازه‌ای است تحت عنوان «عزیزان تا سینه‌دهم» که برای ایفای نقشهای آن ایرن،



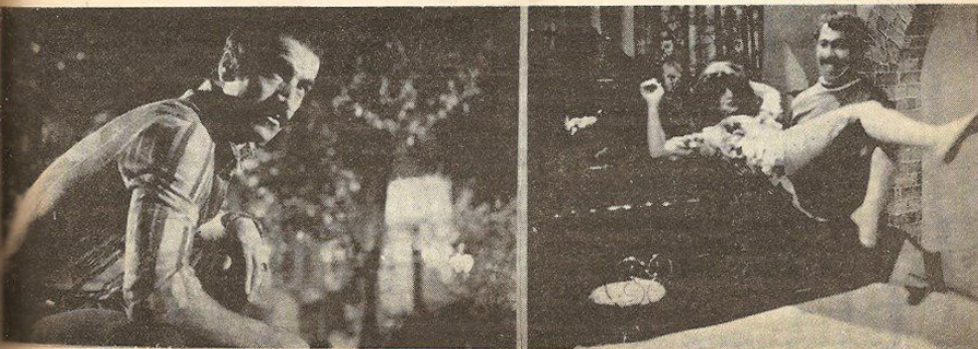
کجکلان در آذربایجان

● سایر رهبر که از اوایل خردادماه تهیه و کارگردانی فیلم تازه را در موسوم به «کجکلان» آغاز خواهد کرد هفته گذشته برای تهیه این فیلمبرداری این فیلم به تبریز و رضاشاه سفر نمود. در کجکلان که همانند کارهای متفاوت سایر ساز سوژه‌ای مردم پسند بر خود دار است بک- ایما نوردی ایفاگر نقش اصلی خواهد بود و در تبریز فیلمبرداری خواهد شد.

شورش رویه اتمام

● هم اکنون در بندر پهلوی آخرین مراحل فیلمبرداری محصول تازه تنها فیلم موسوم به «شورش» توسط ایرج صادق و توفی میشود. داگمپاننده‌ی این فیلم تا دو هفته دیگر بعد از اتمام کار به تهران مراجعت خواهد کرد. در

سید ران، مرجان و جلال در دو صحنه از فیلم «فریب» ساخته تازه «فریدون ژورک»





● ناصر ملک مطیعی و ارغوان در نمائی از فیلم «شورش» کار تازه میر لوجی



● وحدت، ژاله گرمی، شیراندانی و پوری بنائی در نمائی از «خوشگذران»

نوشته و بنکارگردانی چشم‌پوشیدنیانی
توسشگر اله رفیعی در تهران و شمال
فیلمبرداری شده است. بیک آزما نوردی،

بیک قطره از موج

● بهمن مقصدولو منتقد و
نویسنده سینمایی که معصم بود
اولین فیلمش را تحت عنوان «آب»
آغاز نماید ولی بعلنی سناریوی
این فیلم را به حبیب کاش و اگذار
کرد و او این فیلم را ساخت اینک
سناریوی تازه ای را برای فیلمسازی
آماده کرده است بنام «بیک قطره
از موج» که معصم است در آن مختار
چمشیدو مشایخی و منوچهر احمدی
نقشهای اصلی را بازی نمایند. این
فیلم را باربدطاهری فیلمبرداری
خواهد کرد.

منوچهر و ثوق در یزدو شمال

● منوچهر و ثوق که اینک در
یزد سرگرم بازی در فیلم معصیت
است هفته ای سه روز به تهران می آید تا
در فیلمی که سازمان سینمایی
یا نورا مادر دست تهیه دارد تیزش کت
نماید هفته گذشته برای این منظور
با سازندگان آن به شمال رفت تا با اتفاق
بیک ایما نوردی صحنه‌های از این
فیلم را در آنجا بازی نمایند. در
معصیت که کارگردان آن کامران
قدکچیان است علاوه بر ثوق، بهمن
مقصدو، مهتاب انجری، حسین گول
شهباز و مهدی قهی زاده تیزش کت
دارند.

فیلم جدید پستما

● سازمان سینمایی پستما
که اواسط خردادماه فیلم باطنیاق
را در گروه نیا کارا بر روی کاران
خواهد آورد تا چند هفته دیگر تهیه
فیلم تازه ای را آغاز خواهد کرد که
سناریست، کارگردان و فیلمبردار
آن قاسمیوند میباشد و در آن که
هنوزما از نام آن بی اطلاعیم بهر سوس
افهمی، مرجان، لی لی و منوچهر

خوشگذران تمام شد

● این هفته با فیلمبرداری
صحنه‌های خارجی فیلم «خوشگذران»
که در شمال انجام شد کامرا محفل
فیلمبرداری این محصول استودیو
نقش جهان بپایان رسید و اینک
عزیز رفیعی فیلمبردار این فیلم
سرگرم مسونتاژ آن است. در
خوشگذران که تهیه کننده و کار-
گردان آن مسرتاله وحدت است
وحدت، پوری بنائی، ژاله گرمی
، سرور رجائی، اسدزاده،
علی زاهدی چهره جدید سایه، کودک
خردسال محمد رضا خسروی و
شیراندانی شرکت دارند.

جواد طاهری و بیک

● بیک آزما نوردی که این
هفته در فترش را به محل تازاش واقع
در خیابان فردوسی ساختمان امین
و محل سابق کوروش فیلم، تهران
داده است در نظر دارد تهیه فیلم
تازه ای را آغاز نماید بنام «بیک
مردیک تفنگ» که برای کارگردانی
آن مذاکراتی با جواد طاهری
سازنده فیلمهای عزیز قرقی،
نواب، قسه ماهان و عروس و مادر
شهر به عمل آورده است. در این فیلم
که علی صادقی فیلمبرداری خواهد
کرد فرورد، هاله، سر کوب، محمد
با نکی و گروه کاراته بازان سینمایی
ایران شرکت خواهند داشت این
فیلم در ترکمن صحرا تهیه خواهد
شد.

عروس تمام شد

● این هفته کلیه مراحل
فیلمبرداری محصول تازه یزد
فیلم موسوم به عروس و مادر شهر
که در تهران و گرگان توسط
علی صادقی فیلمبرداری شده
بپایان رسید و اینک مراحل
مونتاژ آن طی میشود در این فیلم
که سناریست و کارگردان آن
جواد طاهری است ایمان، هاله،
حسن رضیانی، پروین ملکوتی،
بهمنیار، اسداله یکتا، ناهید،
ازدک، هوشنگ سایه و میری
شرکت دارند.
عروس و مادر شهر را
محمدعلی بیدانی تهیه مینماید.

تنگسیر تمام شد

● این هفته کلیه مراحل
فیلمبرداری «تنگسیر» محصول
سازمان سینمایی پیام که در پوهش
انجام میشود بپایان رسید و سازندگان
آن به تهران مراجعت کردند. در
تنگسیر که سناریوی آن از روی
اثر صادق چوبک توسط امیر نادری
تفطشده است ریکارگردانی امیر
نادری توسط نعمت حقیقی بطور
سینماکوپ رنگی فیلمبرداری
شده بهروز توفیق، نوری کسرائی
جعفرزائی، منوچهر رفیعی و سعادی
دیگر شرکت دارند. برای تنگسیر
که تهیه کننده اش علی عباسی است
اسفندیار منقر زاده مسئول متن
خواهد ساخت.

فروش فیلمها

● فیلم «بندری» سه روز
اول نمایش در سینماهای تهران
جمعاً ۲۷۵ هزار تومان و فیلم
«عیال واره» سه روز اول نمایش
در سینماهای تهران جمعاً ۱۹۰
هزار تومان فروش کرده است
فیلم «پاپوش» تا جمعه گذشته
جمعاً در سینماهای تهران ۵۷۰
هزار تومان فروش نموده چچ
فروش فیلم «کی دستمال گل آب»
داده، در تهران یکمیلون و
دویست هزار تومان و جمع فروش
فیلم «آرامش در حضور دیگران»
که بهمنار سینما گویی نمایش
داده میشد ۱۹۵ هزار تومان
گردید.

فریب به خرمشهر رفت

● این هفته سازندگان فیلم «فریب» محصول تازه سازمان سینمایی زورک که قسمت‌هایی از آنرا در تهران تهیه کرده‌اند برای تهیه صحنه‌های خارجی این فیلم به خرمشهر مسافرت نمودند.

در این فیلم که ستاریوی آنرا سهرس اوند نوشته و بکارگردانی فریدون زورک توسط احمد شیرازی فیلمبرداری میشود سمدراد، مرجان، جلال، هنرگامه زنده‌ای دیگر شرکت دارند.

فریدون زورک که اینک آخرین مراحل فیلم قبلی او بنام «سراب» طی میشود مصمم است این فیلم را اواسط خردادماه بسوی اکران آورد. در سرانجامک طبعی، مرجان، گرشا، شهلا، حسین کول، قدکچیان و مهری شرکت دارند.

حرف‌های

● نام فیلم «بالانز ازخطر» به «حرف‌های» تبدیل شد و جهت دریافت پروانه نمایش با این نام به وزارت فرهنگ و هنر ارسال خواهد شد. در حریف‌های که بکارگردانی قدرت‌اله بزرگی توسط رضا انجم‌روز فیلمبرداری شده فریزر، لی‌لی، اسداله یکتا و کریکوری‌مارک نقش‌های اصلی را بهمه دارند. این فیلم را که تهیه‌کننده‌اش ایرج پورمروت است سازمان سینمایی گلن بخش مینماید.

چهار فیلم باهم

● استودیو پارسیفلم که اینک فیلم‌های جنگجویان کوچولو و گدای ملوون را آماده

نمایش دارد تدارک تهیه‌چهار فیلم تازه را بپرزنی نموده که از این هفته بتدریج جلوی دوربین خواهد رفت.

این فیلم‌ها عبارتند از شیخ صالح از امان منطقی، آخرین سنت از فریدون گل و و فیلم دیگر از نظام فاطمی و سروس جراح زاده که هنوز نام آنها معلوم نیست. در شماره‌های آینده مشخصات کامل این چهار فیلم را به اطلاع خواهیم رساند.

شوم شکست و ...

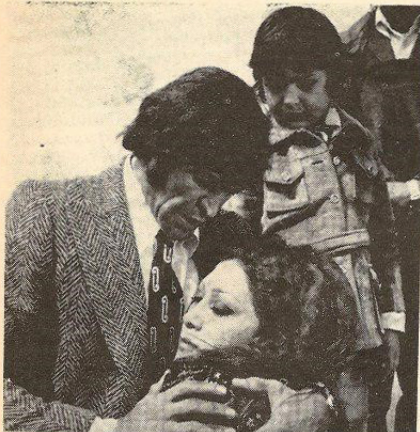
● نادر فیلم که اینک اولین محصول آن موسوم به مردی بنام سلطان آخرین مراحل فنی‌اش در استودیو ایرسا فیلم طی میشود پروژه تهیه سه فیلم تازه را بی‌پرزنی نموده که از هفته آینده بتدریج تهیه آنها آغاز خواهد شد. این فیلم‌ها عبارتند از شرم، شکست و امشب اشکی میریزد که ستاریوی شرم را رضا مهرایی ستاریوی شکست را کریم فرصت‌سناریوی امشب اشکی مهریزد را کورس باپائی نوشته است. در مردی بنام سلطان که بکارگردانی نادر قانع توسط واهگ و رضا مجاوری در تهران و اعواز فیلمبرداری شده همایون، نوری کسرائی، چهره جدید منوچهر قانع، سارا، یسدی، اصغر پور، مهرادبان، آراسته و اسداله یکتا شرکت دارند. برای این فیلم حسین وراقی موزیک متن ساخته است.

جمله‌بجای ژاله گرمی

● چون ژاله گرمی قرار است در فیلم تازه و جدت شرکت نماید لذا نتوانست پیشه‌سازندگان فیلم «محبوب چهجا» محصول تازه سازمان سینمایی چهار نام را برای شرکت در این

گو گوش و محمود قربانی آشتی می‌کنند

● در این هفته محمود قربانی همسر قبلی گو گوش بنا بخواست گو گوش برای دیدار او بفرانسه سفر کرد. گو گوش در حال حاضر در هتل سن ژرمن پاریس سکونت دارد و مشغول برگردن صفحات تازه خود است. گو گوش با احتمال قوی برای شرکت در مراسم سپاس بایران خواهد آمد و با محمود مجدداً ازدواج نموده و از اواخر خردادماه در میامی قرار است برنامه اجرا نماید.



● رضا بیگ ایمانوردی و ژاله گرمی در صحنه‌ای از فیلم «پسر خوانده»



● هاله و پیمان در نمایش از فیلم «عروس و مادر شوهر»

عامل سازمان سینمایی تخت چشید به عمل آورده تا بزودی از روی ستاریوی تازه‌ای که نوشته است موسوم به کهما، فیلمی بعنوان دومین فیلم خود بسازد. برای این‌فای نقش‌های این فیلم حسامی مهر پشکائی چون عباس جوانمرد، علی نصیریان و عزت‌اله انتظامی را کاندید کرده است.

در قیامت عشق که بزودی به روی اکران خواهد آمد و محصولی است از پارسا فیلم و منتقد فرشته جنبانی، خوش شجاع زاده بنی احمد زهمن شهابی شرکت دارند.

فیلم بپذیرد و آنها بجای وی با جمله قرار دادی متفق نمودند تا در این فیلم نقش مقابل بیگ ایمانوردی را بهمه گرمی. محبوب بچه‌ها از این هفته بکارگردانی ناصر محمدی توسط رضا انجم‌روز جلوی دوربین رفته است و در آن بیگ ایمانوردی، جمله، علی آزاد و مهری شرکت دارند.

کیمیا

● هوشنگ حسامی سازنده فیلم «قیامت عشق» و منتقد نویسنده سینمایی روزنامه کیهان مذاکراتی با جمشید شبانی مدیر

سیاس هیجانیکه هر

● نگاهی به برنامه فیلمهای رسمی و مروزی در آثار ● ازهم اکنون سینما شهر قهه برای شیهای سیاسی بلیط زررو می کند ● هوایمائی ملی ایران همکاری خود را با سیاس آغاز کرد ● فیلمهای کوتاه مدت ۱۶ میلیمتری شرکت کننده از طرف وزارت فرهنگ و هنر خریداری می شود ● لیست کامل فیلمهای کوتاه مدت شرکت کننده در جشنواره سوم خردادماه ساعت ۱۲ اعلام جایز هنرمندان در هتل آریاشراون ● از کشورهای همجوار برای شرکت در جشنواره سیاس عدهای باریان خواهند آمد.

● بهترین فیلم کوتاه مدت ۳۵ ۱۶ میلیمتری (آما تور) ● ۳- جایزه سیاس طلا برای بهترین فیلم ۸ میلیمتری ● اقدام بزرگ و جالبی که اداره کل امور سینمایی کشور انجام داده است انتخاب کمیته ای است که ضمن بازبینی فیلمهای ۱۶ میلیمتری، آن تعداد فیلمهایی را که جانش ارزش های ویژه ای باشند از تهیه کنندگان آن خریداری نماید و بدین ترتیب سینماگران ۱۶ میلیمتری این شانس را خواهند داشت که در تهیه آثاری خود سینمایی علاوه بر دریافت جایز، فیلم آنان از طرف وزارت فرهنگ و هنر خریداری گردد.

● در این هفته پوستریابی که از طرف کمیته انتشارات جشنواره تهیه شده است در مراکز عمومی، سالنهای سینماهای تهران نصب

۱۶ میلیمتری و ۹ فیلم کوتاه مدت ۱۶ میلیمتری بدفتر جشنواره رسیده است و تعدادی نیز فیلمهای کوتاه مدت ۳۵ میلیمتری، کمیته انتخاب در میان این فیلمها پس از یک بازدید چهارروزه فیلمهای مورد لزوم را انتخاب خواهد کرد.

مادر این شماره لیست کامل فیلمهای کوتاه مدت ۸ میلیمتری و ۱۶ میلیمتری را که کمیته انتخاب معرفی شده است اعلام کرده و در هفته آینده فیلمهای گسنادید را معرفی می نماید.

امسال فیلمهای کوتاه مدت شرکت کننده جشنواره سه جایزه سیاس اهدا خواهد شد.

۱- جایزه سیاس طلا برای بهترین فیلم کوتاه مدت ۳۵ و ۱۶ میلیمتری (حرفه ای).

۲- جایزه سیاس طلا برای

سینمای شهر قهه زررو نمایش در این شماره برنامه دقیق و کامل نمایش فیلمها را در مجله چاپ کرده ایم و از روز شنبه آینده نیز توسط مطبوعات اعلام خواهد شد. همه علاقمندان سیاس میتوانند هم اکنون برای تهیه بلیط دروز های معین که برنامه آن اعلام شده است سینما شهر قهه مراجعه کنند.

صبح هر روز برنامه مروزی در آثار یک فیلم ساز برکنار خواهد شد و چهار ساعت بعد از ظهر اختصاص بفیلمهای قستیوال خواهد داشت.

● در روز یکشنبه این هفته کمیته انتخاب جشنواره باردیگر فعالیت خود را از سرگرفت تا فیلمهای کوتاه ارائه داده شده بچشمواره را برای نمایش عمومی انتخاب نماید.

امسال سی فیلم کوتاه مدت ۸

● از هفته آینده یک هفته هیجان در تهران فرامیرسد و پنجمین جشنواره سینمایی سیاس آغاز میگردد. هیجان ژاندا لوصفی که محیط سینمای ایران را فرا گرفت است روز پرور و روزتارید میرود. تمام سینما دوستان و هنرمندان کشور در انتظار لحظه معهود هستند، لحظه باشکوهی که نتیجه یکسال تلاش فعالین سینمای واقعی ایران است.

پنجمین جشنواره سینمایی سیاس باشکوهتر، عظیمتر و بهتر از هر سال در جریان آغاز است و فعالین بزرگوار کنندگان جشنواره روز پرور رو بترتیب می رود.

از هفته گذشته که برنامه نمایش فیلمها اعلام گردیده است لحظه ای نیست که تلفن دفتر مجله از کار افتد، همه از ما می پرسند که چه کسی برنده خواهد بود، در مورد برکناری مراسم سیاس از ما سؤال می کنند و در مورد فیلمهای کوتاه مدت و بلیط شب های نمایش.

برنامه نمایش فیلمهای شرکت کننده در پنجمین جشنواره سینمایی سیاس

| فیلم هر روز در آثار | تاریخ نمایش | فیلم شرکت کننده |
|---------------------|--------------------------|-----------------|
| دلهره | چهارشنبه ۲۶ اردیبهشت ماه | تلی |
| فریاد نیمه شب | ۵ شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه | بلوچ |
| طوفان در شهر ما | » ۲۸ » | رگبار |
| بیرمانند دران | » ۲۹ شنبه ۲۹ » | پستی |
| حزب | » ۳۰ شنبه ۱ » | صادق کرده |
| هنگامه | » ۳۱ شنبه ۲ » | چشمه |
| یک قدم تا مرگ | شنبه ۳ اول خرداد | صبح روز چهارم |
| خدا حافظ تهران | شنبه ۴ دوم خرداد | بیبا |

در اینجا لازم بتذکر میدانیم که بعثت استقبال شدید سینما دوستان ایرانی بجای روز بیستم اردیبهشت ماه از شنبه این هفته (۱۴ اردیبهشت) زررو بلیطروز های نمایش آغاز شده و هم اکنون همه کسانی که مایل ب شرکت در شب های نمایش فیلم و ریویدار از فیلمهای گسنادید هستند می توانند بلیط شرکت در شب های قستیوال در دفتر



● جلال مقدم و سعید کیمیایی

اشاره :

خبر موفقیت فیلم‌های ایرانی در فرانسه، بسیار مبختر و خوشحال کننده بود...

هفته سینمای جوان ایران در پاریس که گشتا پهنی باب دیگری از سینمای ایران به کشورهای بزرگ خارجی بود، تعدادی دیگر از کارگردانان موفق سینمای ما را صاحب نظرانی از سینمای جهان شناساند. و توفیق سینمای جوان ایران، برای هنر ایرانی علاقه‌مندی ایران، شوق برانگیز بود.

برای برگزاری هفته سینمای جوان ایران در پاریس، یک هیئت متشکل از کارگردانان و بازیگران ایرانی سفری بیاریس کردند. بهرام پوری، کارگردان و منتقد با سابقه مطبوعات نیز که با فیلم «هنر همگانی» دارد، همراه این اکسپدیشن بوده است و فرصت برای یک اصلاح از چگونگی موفقیت به بهانه مناسب بود. مشتاقانه پای حرف‌های دری پوره ششمین و این ماحصل گفت و گوی ما است.

سام

موفقیت سینمای جوان ایران در گفت و گویی با: بهرام پوری

صاحب نظران فرانسوی، بادیدن فیلم‌های ایرانی شوکه شدند!

● فخری خورش و ژاله‌سام (ژان مورو و بریژیت باردیو ایران!) در خیابانهای فرانسه



● در شروع، اصلاً راجع به نمایش فیلم‌های ایرانی در فستیوال‌های خارجی صحبت کنیم.

بهرام پوری: تا بحال چند فیلم ایرانی به صورت منفرد در فستیوال‌های خارجی نمایش داده شده‌اند. و یکبار هم در «دونز» دو روز نمایشی نمایش فیلم‌های ایرانی اختصاص دادند، و موفقیت‌هایی بدست آوردند. ولی نظرمین وقتی مثلا در دونز فیلم‌های بزرگ روز نمایش داده می‌شود، سینمای ایران نمی‌تواند نمود زیادی داشته باشد.

● **هفته سینمای جوان ایران در پاریس از این نظر چه نقشی داشت؟**

ری پوره: این هفته فیلم، باعث شده که سینمای ایران بطور کلی در یک کشور خارجی مطرح بشود بخصوص فرانسه که در سینمایش همیشه مسأله‌ای مطرح و مسأله‌ای روز بوده است... هدف اصلی از هفته فیلم ایران در پاریس مطرح کردن و شناساندن سینمای جوان

ایران بود ولی من فکر نمی‌کردم که تا این حد در فرانسوی‌ها و بخصوص طبقه انتلیکتوئل فرانسه را به هیجان بیاورد... و این را من از میان حرف‌هایشان می‌فهمیدم. مثلاً چون کیمیایی فرانسوی نمی‌داند، آنها حرف‌هایشان را از طریق من به کیمیایی منتقل می‌کردند و من می‌دادم که آنها واقعا تحت تأثیر فیلم‌های هفته سینمای جوان ایران و بخصوص فیلم‌های کیمیایی بودند. آنها برداشت، شکل بیان و فضای تازه‌ای در فیلم‌های کیمیایی پیدا کرده بودند و تلقی خاص اواز زندگی و مسایل محیط خودش برای آنها کاملاً تازه‌گی داشت. بخصوص اینکه ما چند مصاحبه شخصی داشتیم با نشریات فرانسوی مثلاً «سینما ۷۳» داشتیم و بیشتر در جریان عقاید آنها قرار گرفتیم... از جمله سینما ۷۳ یک نویسنده تونس‌الاصل به اسم نورالدین گالی که جوان پسر هیجان و انرژیکی بود با ادولدر در سینمای بقیه در صفحه ۳۵

زندگی مهوش در روی رضا فاضلی یکبار دیگر موفقیت های گذشته

داده بودند ، زنی که آرایش زنک غم را از چهره آنها میزدند . مهوش وقتی در اوج شهرت بود ، طبعاً به سینما کشانده شد و تهیه کنندگان ازرقص و آواز او برای هرچه بیشتر کردن به عمل تجارتی فیلمها ، استفاده کردند . وجود مهوش دررقص و آوازش در فیلمهای ایرانی دهسی-چهل موجی آن شده که فروش فیلمهای ایرانی بیشتر بشود .

رقص مهوش حتی از میان فیلمهای خارجی که در شهرستانهای دور افتاده به نمایش درمی آمدند ، سردر می آورد!

باین ترتیب «مهوش» آوازه ای دردنیای سینما موزیک کوچک و بزرگ پیدا کرد و پس از مرگ او ، عده زیادی می کردند با استفاده از زندگی پرماجرا او ، فیلمی بسازند اما گمان می کشید این میان آنها «رضا فاضلی» موفق باین کار شده باشد ، گرچه فاضلی «خونراشانی» به این موضوع نکرده ولی آنطور که ازطوال همراهی برمی آید «جنوبی» وی در واقع بازسازی روزهای بزرگ زندگی «مهوش» و لاترین خواننده کوچک و بازار می باشد .

تجدید موفقیتهای گذشته

«رضا فاضلی» که در سینمای ایران سالهای پر شهرت و افروزی را سپری کرده و فیلمهای معروفی چون «الماس ۳۳» و «رانندگان-جهنم» ساخته کرده ، پس از بازی در چند فیلم خارجی در کشورهای پاکستان و ایتالیا و یوگسلاوی و مدتی دوری از ایران ، با بازی به ایران فیلم «خردجال» راهپید بازی کرد که با موفقیت نسبی رو بر و شد .

اما «رضا فاضلی» با تهیه کارگردانی فیلم تازه خود «جنوبی» پس از «خردجال» که در واقع دوران

● مهوش ، این زن جذاب گوشت آلود ، زن عسقرود بود . زن کابارهها و عشق تکیه های شبانه که با رقص و آواز خود ، سعی بر آن داشت کسبه تمامی غمها و رنجهای مردم خستهئی که برای دیدن رقص و شنیدن آوازه های کوچک و بزرگی او میزهای کافه را اشغال کرده بودند ، از دلشان بزداید و به آنها شادی ببخشد . در این مورد می توان اشاره

داد که مهوش یک زن استثنائی بود . چون هم از بود که موجب شد آهنگها و ترانه های کوچک و بازار بسجود بیاید ، نتایج بگیرد و مورد استقبال واقع بشود .

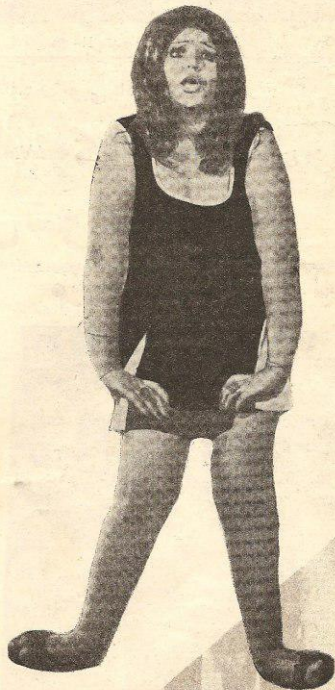
مهوش در واقع شب هنگام ، زنک شادیها را بسنداد می آورد و با خواندن این ترانهها ، مردم را به میچیان و ولوله میکشاند .

میراث مهوش هنوز هم باقی و با پیرجاست ، در کابارهها و کافه های درجه دو و درجه سه تهران سعی میشود خاطره مهوش همچنان یادمان بماند ، یعنی عده ای چهره تازه کوشش میکنند که به سبک و روال کار او ، برقصند و ترانه بخوانند .

مهوش زنی خوردنوع دوست بود . آنطور که میگویند ، وی قسمت زیادی از درآمد بی شمار او را نش راصرف کمک به مردم فقیر جنوب شهر میکرد و همواره به یاری و مساعدت آنان برمیخواست .

صفحات آوازش از مرز ۵۰ هزار گذشت و رکورد بی سابقه ای بر جای گذاشت و هنوز هم که مدتی زیادی از مرگ او می گذرد ، ترانه های او گاه و بیگاه مورد زبان مردم کوچک و بازار است .

وقتی در یک حادثه را ندیدگی غیر مترقبه فوت کرد ، تهران در مرگ او گریست و یکبار همه تهران بدستبوجوش افتاد و میل عن اعدا را ، در کوئی و برزن سرانیز شد ، چون آنها بت محبوب خود را از دست



● «شهنواز تهرانی» (مهوش؟) : این پاکچه !؟

پرده سینما؟ خود را تجدید میکند...



نازهی در کار پر سینمایی او آغاز شده، میخواند و موقت گذشته خود را دوباره تجدید کند و «جنوبی» بدون شك این امکان را در اختیار او خواهد گذاشت که یکبار دیگر موقفت عظیم تجارنی در اندکانش چهنه؛ تکرار بشود.

فاضلی خودش به موقفت این فیلم امیدوار است، چون مردمی که بدین فیلم «جنوبی» میروند، خاطرات خود را در آن بصورت زنده ای، مجسم می بینند و لحظات خوش و شادی آورشهایی که پای سن کافها در کنار این زن استثنائی گذرانده اند، دوباره تجدید میشود.

هفت از تهیه فیلم «جنوبی» تا آنجا که ما در این فیلیم و تا کیست می گوییم که «فاضلی» این مورد را تأیید نکرده و علاوه در رود آن نیز موردی عنوان نموده باز گو کردن و زنده ساختن زندگی مهوش ردی پرده سینما با نام جزئیات آن نیست، زیرا بعضی از قهرمانان زندگی سبب و جالب ویرسادته مهوش اکنون زنده اند در میان ما بسر می برند.

روی این نظر «فاضلی» که ضمناً ستایست فیلم می باشد، تنها به قسمت هایی از ماجرای زندگی مهوش اکتفا کرده.

این قسمت ها، قسمتهای عاطفی و شورانگیز زندگی مهوش است و ضمناً سعی شده برشی از زندگی سالهای اولیه او در جنوب شهر و آمینش او با هم طبقه های خود، بدست داده شود.

شهنواز تهرانی و مهوش

برای ایفای نقش «مهوش» این فرصت ظاهرأ به «شهنواز تهرانی» داده شده که استعداد خود را در زمینه ایفای این نقش بروز بدهد.

شهنواز تهرانی که تاکنون در سینمای ایران در فیلم هایی که ظاهر شده نقش های کوتاهی بازی کرده، با ایفای نقش «مهوش» يك دگرگونی در کار پر خود بوجود

می آورد. شهنواز تهرانی نخستین بار با ایفای نقش «ساما نفا» در سریال «اختاپوس» فعالیت خود را شروع کرد و در مدتی کوتاه توجه تهیه کنندگان سینما را بخود جلب کرد و با ایفای نقش هایی در فیلم های «سمنوسامی»، لیلالی لوی و «دزد و پاسبان» توانست چهره کند.

شهنواز تهرانی با نام و سکنس دلپذیری که دارد در فیلم جنوبی در قالب «مهوش» فرورفته و رضا فاضلی توانسته يك بازی قابل توجه از او اخذ کند.

نقش مقابل شهنواز تهرانی را خود رضا فاضلی بازی کرده است. فاضلی در این فیلم با تئویو کارا اکثر جدیدی ظاهر میشود و پر فورمانس خیره کننده ای ارائه میدهد.

فاضلی که ضمناً تهیه کننده این فیلم است، در مورد کارگردانی این فیلم می گوید:

«هیچ داستانی روی این فیلم ندارم و سعی کرده ام با سادگی تمام فیلم جنوبی را عرضه کنم. این فیلمی است که گوشه هایی از زندگی مردم ما را مجسم می کند. من با خلوص نیت روی داستان زندگی این طبقه دست گذاشتم و سعی کرده ام هر چه بیشتر صادقانه آنرا ارائه بدهم.»

مر ترضی عقلمی

«احمدتقی» معروف «مهدی مشکي و شلو ارادگرا» و «اسی» فیلم معروف تیلی و بسیاری فیلم های دیگر، این بار در جنوبی، متفاوت ترین نقش خود را عرضه می کند و با نمایش این فیلم، یکبار دیگر «مر ترضی عقلمی» خاطره با زیبایی خوب خود را تجدید می کند.

سایر بازیگران این فیلم «فرنگیس فروهر- مائین چیان» ، «احمد معینی» و... هستند. این فیلم که فاضلی در مقام فیلم تهیه کرده و سیله «قاسمی گیان» فیلم برداری شده است.

● رضا فاضلی در صحنه حساسی از فیلم «جنوبی» فاضلی در این فیلم پر فورمانس خیره کننده ای ارائه میدهد.



● رضا فاضلی واحد معینی در صحنه جالبی از فیلم «جنوبی»

● فرنگیس فروهر، شهنواز تهرانی (مهوش) و مر ترضی عقلمی در نمایی از فیلم «جنوبی» آخرین ساختهی «رضا فاضلی».





● منوچهر نوذری «همایون، رابرای صحنه‌ای از فیلم «خیالاتی» آماده می‌کنند. آرزو درچهره «همایون» دقیق شده که حالتی کاملاً شبیه حالت نوذری را تقلید کرده است.

● «همایون» خوش‌بزر... درابتدای فیلم «همایون» کاملاً متفاوت با این ژستش است!

کهنکشان ستاره‌ها در خیالاتی

معروف تئاتر و حتی جزو هیئت مدیره سندیکای هنرمندان تئاتر بوده، «وحتی در چند فیلم نیز نقش‌های حساسی را بازی کرده و بخاطر علاقه شخصی‌اش به دوربین و تکنیک، به پشت دوربین آمده است، بنابراین پوشیده بماند.
نکته بعدی این بود بخصوص در مورد «دقاسمی‌وند» که بلافاصله خوانندگان مجله، اطلاع از این وضعیت وی نداشته‌اند.

بهرحال تشکر از جنابان کردیم و چون اطلاع پیدا کرده بودیم که این فیلم از همین هفته روی پرده خواهد آمد، از کیفیت

اینکه «منوچهر نوذری» خودش یکی از هنرپیشگان برجسته تئاتر، رادیو، تلویزیون و سینماست، در فیلم‌های متعددی بازی کرده و با وجودیکه فرم کارهایش کمندی است ولی در تئپ‌های جدی متنوعی نیز ظاهر شده و در همه آنها به وی که حالا در این اواخر به پشت اسمانت هوش، نرمش و ادراکش دوربین (بعد از مدت‌ها جلوی دوربین بودن) آمده، مسلماً بخاطر کاربرد درخشش در گذشته فراموش نخواهد شد همین‌طور «دقاسمی‌وند» که زمانی از بازیگران

همایون - پوری بنائی - گوگوش - رامش - فرسید فرزان - نانا شا - مبری - آرزو - مستانه جزایری - خوشبخت - مقیدی - مهری و دادیان و سرکوب

و تذکر دادیم، خیلی چهره‌های آشنای دیگر هستند که با نامشان را نمیدانیم زیرا اینکه بخاطرشان نمی‌آوریم.
باعث وبانی این محاوره، پوزخندی زدو گفت:
- برادر، دو هنرپیشه اصلی این فیلم را از قلم انداخته‌ای؟
و از جانب ما طعنی بود تعجب کشید!

و طرفمان که بتدریج از این تعجب‌های بی‌دردی مکلف میشد ابتدا توضیحی چنین داده که ما از خودمان ناامید نشویم،
«شما نام هنرپیشه‌های اصلی را تحقیقاً درست و کامل ذکر کردید این دو هنرپیشه اصلی که من می‌گویم کارگردان فیلم «منوچهر نوذری» و فیلم‌دارش «دقاسمی‌وند» می‌باشند.

ما که متوجه رندی دوست هنرمندان شده بودیم نیز خنده زدیم و می‌افزاییم کرد.
- اعتراف کنید که به این جهت هیچ فکر نکرده بودید به

● دوست فیلمسازی که از تماشای فیلم «خیالاتی» در یک جلسه خصوصی آمده بود بمادر پاسخ این سؤال که کجا بوده، میگفت:
« من از کهنکشان ستاره‌ها برمیگردم،

اگر این دوست فیلمسازی نبود، میتوانستیم این را بحساب یک شوخی بگذاریم ولی چون چنین نبود، پس تعجب آور بود.
دوستمان پس از چند لحظه، بعد از اینکه نگاه پرشکرمان را تحمل کرد، گفت از دیدار فیلم «خیالاتی» برمیگردد..... و بعد آنوقت در یک لحظه همه چیز دستگیرمان شد..... تعداد هنرمندانی که در فیلم «خیالاتی» بازی دارند، آنقدر زیاد و در عین حال متنوع و معروف هستند که تماشاگر فیلمش بقدرت حافظه نمی‌تواند در شماردنشان اطمینان داشته باشد.

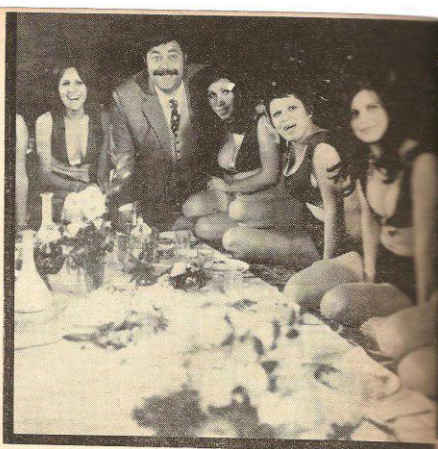
این نکته را با آن دوست در میان گذاردیم، چون به حافظه‌اش اعتماد داشت شروع به شماردن هنرمندان فیلم کرد ولی پس از شماردن سرشباسترین آنها، نگاهش را به زیر انداخت و ما او را به شماره‌گذاری مجله رجوع دادیم برایش نام هنرپیشه‌ها را خواندیم.

خوشبختانه «خیالاتی» مشخصات سالم چنین سینمایی را دارد . داستان جمع و جور و تمیزی دارد و مستقیماً برمی گردد به خواست های مشروع تماشاگران ...

جوانی، از طبقه اکثریت جامعه، با آرزوهای بی پایانش فرصتی بدست می آورد تا بهمه خواست های خود جامعه عمل ببوشاند و همه آنچه را که جوانی ساده و بانقemat خاصی دارد، جسرآغ جادویی که پیدا کرده و خدمتکار با قدرتی که این چراغ را در اختیار دارد، برایش فراهم میکند، همه آنچه را که يك تماشاگر سینما مجذوبشان را در کنار هم غرق قابل پذیرش می یابد و همه اینها را نوزدی که بصورت وروالی منطقی و معمول در کنار هم قرار داده، بی آنکه در این جهت دچار اغراق گوئی ویا تکرار شود

بهر حال آن دوست فیلمساز وقتی این حرفها را میزد گمان نمی برد که ما آنرا نقل کنیم ولی چون، این جملات را کسی گفته بود که در عالم رقابت ، قاعدتاً نمیایدست عنوانش میگرد بهترین و مناسب ترین خیالاتی بود که در جهت معرفی فیلم آخر «منوچهر نوزی» میشد بازگو کرد.

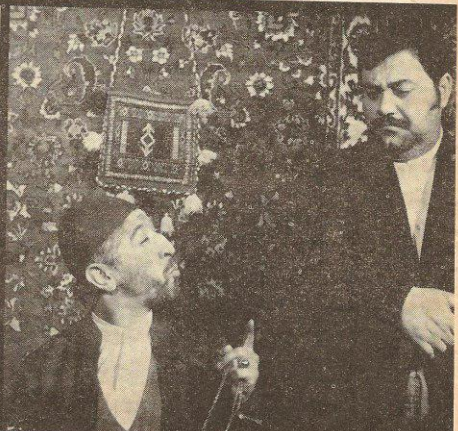
فیلم جویاشدیم ، باهیجان گفت : منتقدین غالباً بیخ فیهام های خوب وچابیدار سینمای سالم هستند ولی میدانند این چنین آثاری در سینمای مامچور میمانند ویا آنچنانکه استودیو می طلبید (یعنی در واقع باید طلبید) باز نمی دهند نمی خواهیم نظر منتقدین را رد کنیم آنها باید پاسدار چنین سینمایی باشند... و متأسفانه از نقرات کمی از این جمع شنیده ام که سینمای تجاری سالم میتواند جای داشته باشد، اساساً «سینما» بیشتر نقش تفریحی دارد، آنهم بخصوص از جامعه ما که سهم «سینما» بیشتر از آن کسانی میشود که تمام هفته را برای گذرانیدن زندگی ناچارند، خیلی جدی وسنگین کار کنند و مسلماً تماشاگران خاص و مورد نظر نمی توانند در سالن سینما، بارگرا ن اندیشیدن سینما بخاطر سینما تحمل کنند، آنها از سینما، جدایی از دنهای خسته کننده و کسالت بار معمول روزمره را طلب می کنند و در واقع به «سینما» بعنوان وسیله ای برای تفریح سالم می اندیشند و این را باید يك فیلمساز انسان دوست فراهم کند ، و در پی آن نباشد که از این طریق، بجای دست بزند.



● «همایون» در صحنه ای از فیلم «خیالاتی» - در خیل زیبارویان - آرزوی اولیه و ابتدائی هر جوان از طبقه پایین شهر .

● «رامش» خواننده معروف نسل جوان، برای اولین بار در سینما ظاهر می شود و شرکت وی در فیلم «خیالاتی» تنها بخاطر نوزی» بود.

● «همایون» قبل از چراغ جادو! با «فیدی» بازیگری که این روزها بخاطر سریال «خانه بدوش» نامش بر سر زبانهاست.



خشونت برای خشونت

● فیلمساز باید خشونت را حس کرده باشد ...

● من تکنیک را از فیلم های آمریکایی یاد گرفته ام ولی سعی می کنم که

فرهنگ خودمان را در چهارچوب سینما، پیاده کنم .

● من تجربه ای که از مهرجویی دارم، راه درست مطالعه کردن است .

گفتگویی با : عبداله غیبای

آخرین قسمت

● این اعتقاد را دارید که یک فیلمساز لازم است که زندگی پرخشوتی را گذرانده باشد ؟

غیبای: بله ، حتما ... فیلمساز باید خشونت را حس کرده باشد ... من خشونت اکتباسی از روی فیلم های فرنگی را دوست ندارم . البته خشونت در یک فرهنگ عوامفریبانه خطرناک است ، مثل خشونت که در فاجعه خانه های پاره می شود و یا از روی تصبات احمقانه انجام می شود که از آینده ای فر هنگی و حماقت است ... بهر حال تم خشونت به کارمن در سینما خیلی نزدیک است .

● این نوع زندگی و تجربه ای که بدنهال داشته ، از نظر دید اجتماعی تأییراتی داشته ولی بگو که چطور با سینما و بطور اعم با هنر آشنا شدی ؟

غیبای : من علاقه ی عجیبی به ادبیات داشتم ، شعر می گفتم ، قصه می نوشتم و چند تا از شعر هایم در مجله ی فردوسی و مجلات دیگر هم چاپ شد ... در گیلو واد و با تماشا ی فیلم ها حس کردم که قالب کلی را پیدا کرده ام ، و چون تمام علاقه ها و تجربیات من در سینما جا می گرفت - و تازه کم همی آورد - روی سینما رفتم . مدتی به اصطلاح کنتراچی سینما بودم ، و همین دلایل عشق من بود به سینما . بعدها در چند بخش فیلم کار کردم .

مدتی متصدی برق و کارگری فنی فیلم ها بودم ، و در واقع کلاسیک های من از همین نقطه شروع شد . بعداً آریستان فیلمساز دار ، آریستان

● با آنچه که از زندگی و سینما گفتمی باید قاعدتاً فیلم های سام پکین پا را خیلی دوست داشته باشی .

غیبای : من شنیدم که پکین پا علاقه مند گوا اینکه همه ی دوستان من ، به او علاقه دارند ... ولی من فکر می کنم که بیشتر از همه ، فیلم های پکین پا را آنکامی کنم ...

● شایع ترین فیلم های پکین پا و فیلم های خودت ، خواهی دید ؟

غیبای : من سعی در تقلید ندارم ، چون فاصله ی ما از زمین تا آسمان است . این ابهام نه است که آدم بخواد سینما ی پکین پا را آدایه کند ... من معدودی می خواهم که حتی اسم خودم را با پکین پامی برم من فکر می کنم که خشونت وجه مشترک فیلم های ما باشد .

● و تنها وجه مشترک ... چون پکین پا با حسرت به گذشته نگاه می کند ولی این حسرت در گفته های شما حس نمی شود .

غیبای : او پیشش به من خوبست است . چون خودش سرخو بست است . در حالی که پشت سر من فردالیزم ایستاده ، من چه حسرتی می توانم برای خودم ادا کنم ؟ بخورم ؛ پکین پا دارد به تنهام گشده اش فکرمی کند ، او اصلا حسرت فسه آمریکایی بودن آمریکا را نمی خورد . پشت سر من هیچ دوست داشتنی وجود نداشته که حسرتش را بخورم .

● سنت هایی که نابود می شوند چطور ؟

غیبای : سنت ها همیشه خوب بوده اند و من سعی خواهم کرد که در فیلم هایم ، ما چسرا را در زمینه ای از مسرام فولکلوریک پیاده کنم بهر حال ، نه های سنت ها ، در پشت سر چیزی برای حسرت

کارگردان ، مشاور فنی ، سناریست و گاهی بدل گنر پیشه ها در صحنه های زدو خورد بودم ... راستی قبل از کار در بخش فیلم ها ، مدتی هم مدیر یکی از تئاتر های لاله زار بودم .

● با چه فیلم هایی ، در واقع سینما علاقه مند شدی ، در واقع فیلم های محبوبت کدام فیلم هاست ؟

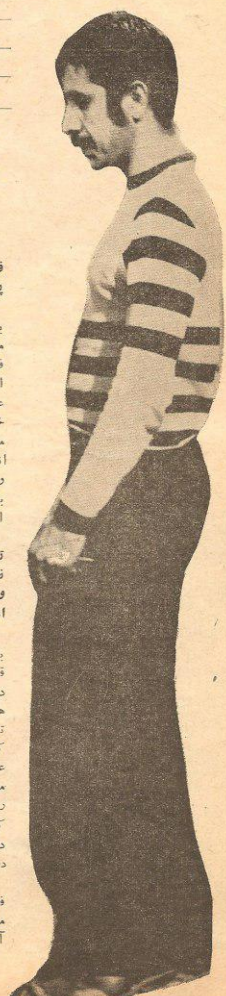
غیبای : من فکر می کنم که همه ی ماداریم از سینما ی آمریکا تقدیه می کنیم . فرهنگ سینمایی ما با سینمای آمریکا بسط و گسترش پیدا کرده و تعمیم یافته .

من گاهی اتفاق می افتاد که از وقتی که یک فیلم را روی پرده می گذاشتم تا وقتی که آنرا از روی پرده بر می داشتم ، بارها آنرا می دیدم و صدا و حرکات هنر پیشه را تقلید و تکرار می کردم ... من از سینمای آمریکا ، وسترن های قدیم ها و کزن و فورد و فیلم های هیچکاک راتاده سال پیش خیلی دوست دارم . سینمای امروزه به اصطلاح مذهب منسوخ است . بهر حال تا آنجا که توانستم شاهد نوپر دازی های سینمای مدرن جهان هم بودم ...

● من تکنیک سینما را از آنها یاد گرفتم ولی سعی می کنم که فرهنگ خودمان را در چهارچوب سینما پیاده کنم ، و معنی یک سینمای بومی در نظر دارم ، منتها من که درس سینما نخوانده ام ، در نتیجه تکنیک را از فیلم های خارجی یاد گرفتم ، به اضافه تجربیات پشت دوربین ، در فیلم های کیمیا بی ... من در فیلم های کیمیا بی آزادی کامل داشته ام .

● کارگردان یا دانشجو مهرجویی چطور بود ؟

غیبای : من تجربه ای که از مهرجویی دارم ، راه درست مطالعه کردن است . و کتاب خواندن ، یعنی جوهر تفکر را به من یاد داد .





● سخنه ای از فیلم «کیفر» خوردن ندارد.

● **غیاثی: جلوری من تکامل هست ...**

● **با زندگی، تجربه‌ها و خشونت‌های در اولین فیلمی که ساخته‌ای، «کیفر» چطور روبرو شده‌ای؟**

غیاثی: من این‌ها را با فرهنگ خود قاطعی کرده‌ام و زندگی من خوردست‌های شرق و غرب را مطرح می‌کند ... البته غرب‌زدگی با توجه به این بود، ما چون من با شرف بودن به آن معناری ندارم، اصلاً کاسان من نیست.

من یکجور تمدن آمریکایی را ببینم که در وضعیت جنرفایلی سنتی ما خودی را تمجید کرده‌اند. طنز و تکرار این موضوع شده مطرح می‌کنم. و در واقع بی خانواده کاملاً ایرانی و سنتی با مظاهر غربی در دوردست‌ها شود.

● **این آخرین فیلم خانواده‌ی**

اصیل است؟
غیاثی: نه، خانواده‌ی است با آخرین سندی‌هایی که آخرین نسخه‌ها را می‌کشد ... مثلاً اینکه دختر یک بهلولان ملکه‌ی هوی‌ها میشود و از آن‌ها و موخا‌ها کتیبه می‌شود به تریا، البته من با تریا داشتن و با اینکه نباید هوی‌ها خانه‌ها از زمین برود، مخالف نیستم ولی بنظر من اینکه یک دختر جادوی در بونوک‌باشک را عوض کند مال ما نیست و تا باید مال ما شود باید بقیه در صفحه ۳۸

تفارق تجارت هنری با فعالیت‌های ناب هنری

و حیدر بانی مطلق

«۵»

ناپذیر از آثار هنرمندی قرار گیرد که بناگاه جمله‌ای دیگر و چشم‌اندازی جدید برای تلور موجودیت ذهنی‌اش ایجاد کرده و عرصه هنرش را در مکانی دروازه‌سوزی ذهنیت مردم فضا سازی نماید. او چون به فقدان پیشگامی‌سوزورت و نیازها کسرونی در بین مردم اجتماعی بی‌پرده‌ی چون به عدم تناسب روشد ناقص هنری در موقعیت کنونی‌ش زندگی‌اش و معترض است.

بعثت علم تخصص مکانی‌ساز آزاد برای نثرالکلاش که استپلاک میان او و نیروهای تعیین‌کننده وجود نیاید و به سفت‌نیش‌کالک توجه و تفسیر بیان هنری (فرار از مسئولیت‌های چند امدانی هنری) و فرورفته شدن قدرتی هنر در هنرمند و بیان ایهام گونه آن که طبیعتاً هیچگونه تأییری بجای نمی‌گذارد اکتفا کند:

او اینگونه تفکلا و انصاف را حاصل بر خوردن متعاقب میسان عوامل ناهمسان و ناهماهنگ جامعه و بی‌تجانس‌سازی که او را در جامعه خود گرفته و قطعاً انعکاس نامطلوبی هم بر وی حشرش خواهد گزارد دانسته خود را تاگزیر به انتخاب این‌گونه روش و خلق آثار هنری‌سفری می‌نماید و در توجهی‌ای دیگر جامعه را به حضور عدم ادراک و واقع‌شن آری از سرآمد و اجبار در کار هنرمند می‌بیند.

در حالیکه این جنبه‌ی سنجش و استنباط و رد کالک تغییر برای خلات‌سخت جنبه‌ای معکوس گمانه‌باین باصلت یک هنرمند افق‌ها دارد هنرمندیکه چنین قاسباری و نونو به بند را در کارش می‌گذرانند و بی‌تجانس‌سوزورت با همه این عوامل بازدارنده هنر چندانکه مخاطراتی برایش در برداشته باشد یا پذیرش این چند و چند و چند و اعمال و افعال را اصولی‌ای آنها را مورد قبول قرار داده و در حقیقت تعیین‌سوزورت آینه‌شهرش را هم با کنار کشیدن آن (پدیده‌ی نوین‌گرایی) معالجه‌ی ممکن می‌یابد و متأسفانه این طرز تفکر در همین جامعه روزروازی و نونو تفکلی‌ساری از هنرمندان (اعراض‌انگیز) در اعتراض) قرار گرفته‌است و این البته چیزی از اوقایف مسئله‌گم‌نمی‌کند.

● **حال این‌سئله را از دیدگاهی دیگر مورد بررسی قرار می‌دهیم در فعالیت‌های هنری ما استفاده از اشکال و قوای خاص برای بیان احساس هنرمند امری معمولی و عادی به‌شمار می‌رود و چه بسیار هنرمندانی که برداشته‌ای اعتراض و ناکدرنوعالی و اثرگزازی و درنگ و تجسم‌ومالی از مسائل انسانی محیط زندگی‌ش می‌یابد بصورت جزئی و بی‌در تأثیر کلی بر احساس عوامه‌در حالات و مضامین تصاری عرصه می‌کنند یعنی علاوه بر آنکه هنر خود را جزء یا بخشی از بازار تفریحی نمی‌داند و موجودیت خاص و پر برداخت هنری خود را با احساس منگوبودن لطف نویسی اعتراض (با حدیث که مورد قبول بازار قرار گیرد که آن را مشکل بر راه طغیان‌سوزورتی را بجاست تأثیر عمیق و کلان‌دهنده کلک‌میتابد و به‌خند نامشایران کند) و بهین‌جوت این بی‌تجانس‌سوزورت را در دستخ‌ف آثاران تجسم‌و عینیت‌می‌بخشد که نامشایک در دست‌یکه ارضای عاطفی می‌جوید و نظر نرفا نه صور راهم بعنوان اخذی برای آسودگی ذهنی و استنباط متأسرکننده منسجم حس و احساساتی که خاصه از انتخاب مضمون بیان هنرمند بوده و چه با سبایل به تفسیر باقی‌نشان مسئله معترضه‌گرد بصورت کساید عملی و واکنشی در فضای ذهنی و فکر تأثیری پذیرا گردد و وضوت احد شد در حقیقت زیر بناسی فکری گیرنده‌اش را به تفکیر به قبول قوانندی (فرمول‌ها) هویده بازسازی می‌نماید و هنرمندان در چنین کشف و روایت‌های باید بداندن که برای ایجاد مدنی از آثارهای هنری که در اجتماع و راه‌گشایی و راه‌نمایی که تخصص‌بما به کار می‌کنند در یک جامعه نوساز یافته از بیخ و بن پویسده‌است می‌باید نیاید و بی‌تجانس و سق‌روایی‌ش و عاطفی و احساسی (فقط با قوه آنرا) ایجاد...**

تجارت صحیح لازمه بقا و اشاعه هنر است

هنرمندی که مستکت در بعدی از زمان و در مجسوعه‌ای از احوالات و اوضاع زندگی که (برایش فراهم کرده‌اند) و قهرهای ارتباط روحی و حسی خود با هنرمندی خالق و تعیین‌کننده‌ی مدای به نوعی احساس تفکلا و جدالی از خود برسد یعنی او را در رابطه‌ای اجتناب-

● **این هنرمند گریزان از مسئولیت بصورت سر نوشتی که در آینده‌ش را از میراثی جدا سازد و شاید عواقب نامطلوبی هم که اینگونه نصراحت‌لجه و فاطمیت بیان هنری برایش در بر دارد و چه بسا منجر به افتادگی و تصاردگی او و جدا افتادن از زمینه‌ی جامعه گردد خود را به یکباره تسلیم احساسی سوا از وقایع محسوس اجتماعی می‌کنند و بهین‌رسان می‌نمایند و این‌کنار کسین‌نما گنجانده می‌گردد و این‌کنار رشته‌های عاطفی و حسی او بسا مردم جامعه‌اش است.**

● **پس این هنرمندی در معرض قوانین‌بما به‌خسان، نامعقول، تعیین‌شده قرار گرفت و لزماً آفتی که خود را از او دور و بر او بی‌حاصل از آن رهایی بخشد یا بدین‌یکباره و بدون هیچگونه تلاش مجدد برای بیان هنر مساعدکننده عدم آمادگی روحی مردم فقدان شرایط‌ساز برای بیان آنچه در درمقیاس وسیع‌تر با استفاده از این‌وسئله هنری متفق نظرش بوده‌گردد.**

● **و بطور کلی خود را در مقام آفریننده‌ای خارق از تعهدات رایج هنری قرار دهد و تسلیم این پذیرش جبری گشته و حتی اینگونه نگر بر او انصاف را هم در هنرش کرده و تعیین‌بخند.**

● **حال اگر این هنرمند عدم جاگزینی بیانی که او را در راه بی‌حقاقتی کرده در هنرش بارشته‌ی محسوس‌بودی جنبه‌ی پیداکند به نوعی تلقیق با عامل مادی مسفر در هنر که این‌ن مورث قبول و تصدیق یافته‌شده بگناکند یعنی عامل مادکرا در جنبه‌ی انتخاب و قوانندی که بطور صریح بی‌روا نمی‌نمونه آنرا بیان کند. دستاورد و مسوولیت خلق آثارش قرار دهد و تلقی و تصور اینکه هنرش صرفاً جنبه‌ی پرداختی‌شده‌ی بی‌سوزورت ماسالی در مطرح‌ش می‌نمونه‌اند آنرا طبقه‌بندی و تجسیر به نونو افکلا گویای رایج نماید تا بتواند اجازه و مجال اشاعه و نامشایر را بداند که در واقع در هنری خود را به‌عنوان یک هنرمند و راستین به جامعه‌ی ادراک‌کننده و بیننده پذیرنده‌ی اثرش را هم و یاری حرف‌هایش مفاهیم تکرر و بالا‌از آن اعتراض‌ش قرار داده است.**

بقیه در صفحه ۳۸



تنگنا

ساخته‌ی: امیر نادری

فیلم ایرانی در یوتیوب
نقد و بررسی



● سعیدراد و نوری کسراوی در صحنه‌ای از تنگنا

کریبان تمام عناصر اجتماع ما را گرفته است (کشمیر آهنگ مشرق فیلم، دیکه دل با کسی نیست ، یا هر کسی سربوی خودش داره . نیز نأهیدی است بر این تم) ازورای نیور علی از اجتماع مطرح می شود. مسأله ای که زندگی ما را طبعاً از حالت اجتماعی خود خارج کرده و در واقع زندگی را تبدیل به يك صحنه نتاج بقاساخته است ...

دوره‌ی اول بنظر میرسد که «نادری» با بدبینی زندگی اطراف خود نگریسته است ولی مسأله ای مهمی که در فیلم «تنگنا» مطرح است و این بظاهر بدبینی را موجه جلوه میدهد ، نحوی مقابله‌ی نادری با شخصیت هاست . نادری با افرادی که به آدم‌های فیلم می باشد. هیچگاه جانبداری مستقیمی در این مورد نمیکند ... هیچکس واقعاً مقصر نیست ... آدم‌های بد واقعاً بد نیستند ... آدم‌های خوب واقعاً خوب نیستند ...
ادامه دارد

نشدهی آنرا نشان می دهد و به دلیل خود زندگی که پشت واقع شده است. فیلم تلخی است. تلخی ، تاثیراتی است که این فیلم بر هر نوع تماشاگرانی می گذارد، همانگونه که هر ناظری با دیدن زندگی پشتوانی فیلم تنگنا در اجتماع می تواند این تاثیر را بگیرد ... شاید عدم موفقیت تجساری فیلم تنگنا بستگی به همون تاثیر داشته باشد تماشاگر ایرانی بارها نشان داده که علاقه‌ی به بدریاره دیدن و حس کردن واقعه‌های زندگی ندارند.

علی خود دست (سعیدراد) نماینده‌ی زندگی متعارف ماست ، زندگی که بر اثر يك اتفاق نك واقعی خود را از دست می دهد ، از این رو به آن دروم می شود . يك عامی‌ادی که چند چشم هم‌منظری اوست ، انفاقی تبدیل به يك قاتل می شود و میجویر به فرار ... در عبور این مرزهای مهان طبقات مختلف مردم ، گندم از تنگنا لایه‌های مختلف اجتماع است که بی‌ باه واقیتهای زندگی خودمان میوریم ... این نگرانی که

بهر کیفیتی که هست به فرار خود ادامه می دهد، و آرامش ناپایدار محیط را برای مدتی بهمین بند ... با اینکه تعداد این نوع آدم‌ها در جامعه‌ی ما کم نیست ولی هیچگاه در باره‌ی آنها به صورت يك عنصر اجتماع فکری نشده است. راهی هیچگاه قابل تفکر و تعمق ندانسته اند. گوا اینکه در تعداد کثیری فیلم ایرانی از این نوع آدم‌ها دیده شده اند و در واقع تمام شخصیت‌های منفی فیلم‌ها با یاد از این تپ آدم‌ها باشد. ولی شاید فقط از دوسه فیلم بتوان اسم برد که این نوع آدم‌ها در آنها بسند داشته اند ، آشنا و قابل لمس بوده اند.

نادری بعنوان فیلمسازي که پهنش اجتماعی دارد و این از خدا حافظ در قق اوم پیدا بود، گرایش به این شخصیت‌ها، ضد پهن ما نهای که زندگی شان در کوچه و پس کوچه های غم گرفته‌ی جنوب شهر و همراه با زندگی غم آلود دیگران که هر رنکی داشته باشد، اقلار نك زندگی نیست، نشان می دهد.

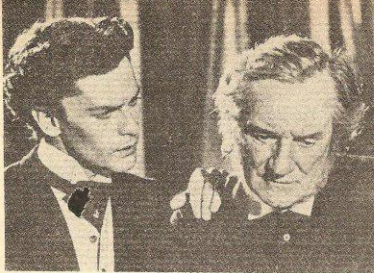
تنگنا که ارتباط مستقیم به زندگی واقعی پیدا می کند، مسأله ای حقیقی و دست‌ما لی بوده و در آما تیره

موصول سازمان سینمایی پیام کارگردان : امیر نادری - بازیگران سعیدراد - نوری کسراوی - سعادت بخشی - شهرزاد - نویسنده گان ستاروی نادری - اصالتی - فیلمبردار: جمشید اولوندی - موزیک از اسفندیار منفر دادامه تهیه کننده: علی عباسی

در کنار «کهران شپردل» امیر نادری فیلمساز است که در بدری آدم‌ها و بی هدفی‌ها که بر اثر يك اتفاق ناشی میشود، به عنوان مایه اصلی فیلم خود بر گزیده است. این فکر البته ورشه در اولین کار نادری « خدا حافظ رفیق » دارد که تقاضای زیادی داشت و با تاثیر گرفتن خصوصیات آن «کهران شپردل» به سیخ روز چهارم، ر.ساخت. و حال در همان زمینه، با «تنگنا» روبرو میشویم که ساختمان محکمی دارد و باز مسأله در همان زمینه های قبلی را مطرح می کند، البته شکل نرود نشین تر ... خصوصیت سینمایی نادری که کم کم به فیلمسازان دیگر نیز تاثیر خواهد گذاشت اینست که در آن، فقط يك وسیله است و نقش حساسی در فیلم ندارد . و سینمای تعالی آن است که توجهی به ظاهر کره‌ها و وجه و تاپ های قصه‌ی نشان نهد و می‌تویم که نادری که می خواهد مسأله‌ی عادی مبتلا به زندگی عادی مردم ما را مطرح کند - مسأله ای که در نظر اول عادی‌ترین یا افتاده بنظر می رسد، به این اولین خصوصیت نوع فیلم‌های خوش وراقی است و این زیربنای ارزش های فیلم ادوایی ریزد.

«تنگنا» مستقیماً به زندگی عادی مردم مربوط میشود. در کوچگها ، خوابانها داریم که می‌زند و می‌بویند که يك عده فریاد می‌زند که بگیرش بگیرش و فراری

لو کینو ویسکونتی، پس از «مرک درونیز» «لودویک» را خلق می کند



● تر و هوارد و هلموت برگر در صحنه‌ای از «لودویک»



● رومی اشنایدرو و هلموت برگر در صحنه‌ای از «لودویک»

آفرینی «ویسکونتی» به گونه‌ای به تفسیر فلسفه «گوستاو مالر» آهنگساز و رهبر ارکستر ابرای دولتی و ن که در سال ۱۹۱۱ فوت کرد می‌پردازد و «گوستاو آیشنهاخ» نیز آهنگسازی است که سفونی‌هایش چون «مالر» با موجی از دشمنان و عسکر ادراک دوبرو میشود.

ویسکونتی با استفاده از سفونی شاد «مالر» به درام شکست‌گرا و ناپسانمانی‌های «آیشنهاخ» اندیشه‌ی کند و آنها را در چهار اسطوره‌ای تصویر می‌نماید. گفتمیم که ویسکونتی عاشق «هنر» است، هنر در مقیاس عالی و مطلق آن که با زیبایی‌های زندگی درهم آمیخته باشد و بدنیال اینس رمان مشهوره «توماس مان» استفاده کرده و با استفاده از سفونی‌های «گوستاو مالر» کمپوزیتور معروف، زندگی یک آهنگساز با نام «گوستاو آیشنهاخ» را از دید خود تصویر می‌کند.

میشد. برای فیلم‌های بعدی ویسکونتی «شبه‌ای سفید» و «دوک و برادرانش» و «یوزبلیک» «نینارونا» آهنگساز شهرو ایتالیایی موزیک اریژینال نوشت.

فیلم بزرگ ویسکونتی «تفریق شده» که بیان تراژدی یک فامیل با نفوذ آلمانی در زمان نازی‌هاست، از موزیک دلپذیر دهه سی، خصوصاً از یک ترانه‌نه زیاد شناخته‌شده «مارلن دیتریش» در فیلم «فرشته آبی» استفاده برده است. البته موزیک اریژینال آنرا «موریز ژارد» نوشته بود و بالاخره از فیلم «مرگ در ونیز» شاهکار ویسکونتی بایندام برده که از زمان مشهوره «توماس مان» استفاده کرده و با استفاده از سفونی‌های «گوستاو مالر» کمپوزیتور معروف، زندگی یک آهنگساز با نام «گوستاو آیشنهاخ» را از دید خود تصویر می‌کند.

مرگ در ونیز با باز -

اومی گزیاد. آنچه در تمامی آثار ویسکونتی سهیم است و بوضوح دیده میشود، آن اندیشه‌های شخصی و برداشت‌های خصوصی او از زندگی، هنر و جزئیات دیگر این جهان هستی است و این مفتاحی است برای زوایایی به دنیای شاهکارهایی که او تا کنون خلق کرده و راهی است برای رسیدن به خط آثار او.

«لودویک» که چرخه یک فیلم موزیکال بنظر نمیرسد، مع الوصف یکبار دیگر علاوه بر ویسکونتی زایه و اکسی نشان میدهد و نیز برای آنهایی ساخته شده که موزیک دراماتیک و پرشار و آگهی را می‌شنیدند، همانطور که در فیلم «مرگ در ونیز» نشانهای خاص موزیک «گوستاو مالر» چنین اقتضائی زایه داستان داده بود.

لو کینو ویسکونتی بغیر از سابقه درخشانی به عنوان یک فیلمساز، در زمینه اپرا و تئاتر نیز صاحب نظر و آگاه است، بخصوص شاید به اپرا عشق می‌ورزد. او سابقه کار زیاد در اپرای اسکالی میلان دارد و ماماریا کالامی را در چندین اپرا رهبری کرده است. وی همچنین چندین اپرا در لندن، وین، رم و پاریس موبوری ساخته آورده است.

در تمام فیلم‌های دو دهه گذشته ویسکونتی از موزیک بنحودر امانتگی استفاده برده و این مورد از اولین فیلمش (وسوم) که در سال ۱۹۴۲ ساخت، مشهود است. در فیلم «دشمن» «فرین میلز» که مرثیه‌ای درباره ماهیگیران سیسیل بود، موزیک از موسیاده دیومی بود که ماهیگیران زیر آب زمرزه می‌کردند.

فیلم قشنگ دیگر ویسکونتی بنام «دشمن» که در سال ۱۹۵۴ ساخته است، با یک سه‌گانه دراماتیک در اپرای مشهوره نیز همگام اجرای قطعه‌ای از «وردی» بنام «ایل نر» و «اور» و قطعه‌ای از سفونی هفتم «براکر» به عنوان یک تم، شروع

● لو کینو ویسکونتی پس از خلق «مرگ در ونیز» که به عقیده پارامی از نقادان و هنرشناسان جبرگانه‌ست، شاهکار این فیلم ساز ایتالیایی است. (لودویک) را عرضه می‌کند که باز در خط موسیقی‌های فکری این سینماگر آکادو خلق است.

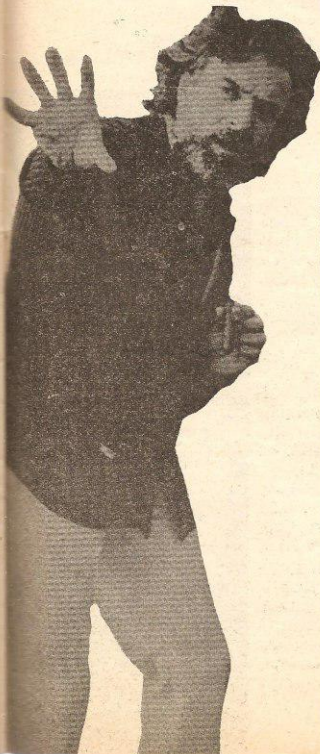
این فهم که مفهومات تهیه آن مدت یکسال بطول انجامید، نمود دیگری از دنیای درخشان و درسته ویسکونتی است و یکبار دیگر در پیچهای بدنیای «مرگ در ونیز» ● هلموت برگر نقش «لودویک» اثر «ویسکونتی»



آرتور هیلر وستاره‌ها

● از «آرتور هیلر» که با فیلم «قصه عشق» یکبارہ شناخته شد، فیلم‌های «آمریکائی شدن امیلی» «قصه عشق و اخویرا» «آپارتمان شماره ۷۱۹» در تهران بنمایش درآمده است.

همانطور که ذکر شد فیلم «قصه عشق» برای «هیلر» همه چیز به ارمغان آورد و همه کس متوجه او شد.



فیونا لویز و دوره تازه

فیونا لویز تازه از راه رسیده است و میبوست کند... ۲۴ سال دارد یا اندازهای ۲۳-۲۴، مایه‌روان‌اندازه‌های دلخواه هر زن ...

فیونا «با نام کورتنی» با فیلم «انگلی» آغاز کرد و در سایه محبوبیت و هنر این مرد توانست نظر تماشاگران و تهیه کنندگان را بخود جلب کند و به شهرتی بساوردگرندی و ناگهانی دست یافت.

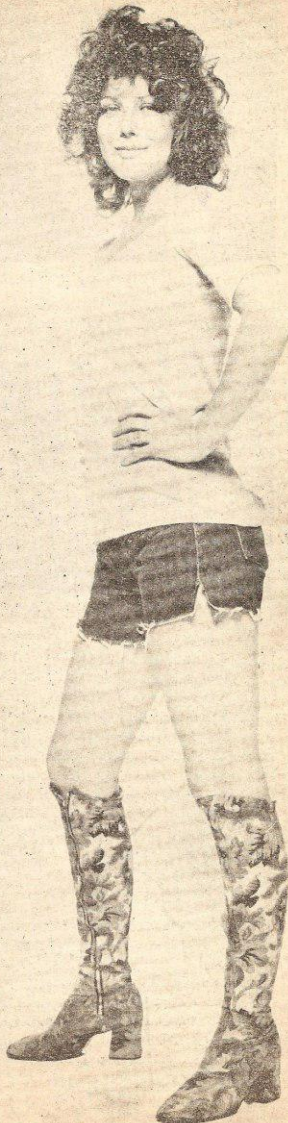
بعداد «انگلی» در «خبثت» به نقش رقیفه «ایان مکشین» ظاهر شد، در این فیلم «تپ دختر زیبا» و «سوزی» را داشت که اسیر دست یک سرد شروور می شد.

فیونا اصلاً انگلیسی است و قبل از ورود به سینما و قبل از آن که تهیه کننده «انگلی» او را برای بازی در این فیلم انتخاب کند، مدل و مانکن بوده و مدل بسیاری از این دسته دختران، آرزو داشته که در سینما بازی کند و عاقبت یکی از تصاویر او توجه تهیه کننده انگلی را جلب می کند و با فاصله او دعوت می شود که به استودیو بروی و کتی از او بگیرند این ستار خود را می کند و «فیونا» به آرزوی خود دست می یابد.

خود و فیونا و در این باره می گوید:

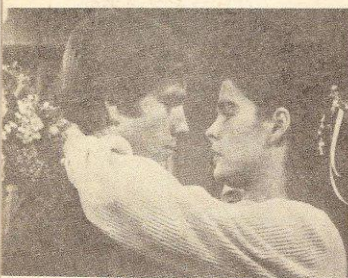
«ستاره بودن ایده‌آل من بود اما نه ستاره‌ای تو خالی و بدون ظرفیت و کمپا به، من میخواستم در سینما صاحب یک عنوان دروغین شوم، ستاره‌ای رنگ و روغن زده که همه چیز پوشائی و مضحک باشد، حالا که چند فیلم بازی کرده‌ام حس می‌کنم که هنوز خیلی از مسیر راهی را که انتخاب کرده‌ام باید بپیمایم تا به سر حد ایده‌آل خود که «آکتریس» بودن و هنرمند شدن است، دست نیایم.»

فیلسوم و فیونا لویز «جک کجاست» که در آن با تامی استیل و استانی یگر - همبازی شده، توانسته به شهرت فوق‌العاده دست یابد و موفقیت خود را بعنوان یک ستاره سینما و هنرمند در سینمای انگلستان و آمریکا محکم نموده است... و اخیراً به نقش اصلی فیلم تازه‌ای شروع کرده و این آغاز دوره‌ای تازه در کارش سینمایی وی به حساب می آید.





● مردی از لمانچا (سوفیا لورن - پیترا اول)



● قصه عشق (رایان اویل - الی مک گرا)



● آپارتمان شماره ۷۱۹ (اوترا مائالو)



● آمریکایی شدن امیلی (جولی آندروز - جیمز گارنر)

امیلی» است که چندسال قبل او با شرکت و جولی آندروز ساخته است.

هیلر در مورد جولی میگوید: «جولی زنی بسیار حرفه‌ای و بسا مهارت است و به آسانی دستورات کارگردان را می‌پذیرد.»

جالب توجه آن‌که این فیلم مورد علاقه جولی آندروز، جیمز کارنر و پدی چابکوفسکی نیز هست. فیلم اخیر انجمن دوست فیلم‌های «هیلر» است که با فروش خوبی روبرو نشود و کمالیک فیلم غیر تجارتي باقی‌ماند.

«هیلر در این مورد میگوید: «با وجود آن‌که این فیلم از نظر تجارتي ناموفق بود، ولی من آن را بر فیلم‌های دیگر ترجیح می‌دهم همچنین از فیلم‌های «پاپی» و «دسته‌محقق» هم خوشم می‌آید، چون هر کدام از این فیلم‌ها حرفه‌ای با ارزشی دارند که بر نند، و بنحویز یادای سرگرم‌کننده و جالب هستند. من امیدوارم در آینده بتوانم بیشتر چنین فیلم‌هایی بسازم.»

هیلر زمانی گفت که فیلم «آمریکایی شدن امیلی» بزرگترین فیلمش است و زمانی که روزنامه نگاری او را مورد مواخذه قرار داد وی گفت:

«این تنها فیلمی است که میتوانم آن را فیلم بزرگ خطاب کنم.»

هیلر در مورد خصوصیات کسارش می‌گوید:

«من علاقت متنوعی در هنگام کار دارم. من آنقدرها در موقع تهیه فیلم سخت‌گیری نمی‌کنم، برای این‌که، یک کار اضافی است و شما باید وقت‌تان را بیشتر برای کارگردانی اختصاص بدهید و بیشتر روی آن تکیه کنید.

مثلا برنامه طولانی برای تهیه فیلم «مردی از لمانچا، یک کار طاقت‌فرسا و خردکننده بود.

من این فیلم را فیلم مشکلی میدانم؛ اما امیدوارم مردم بدین‌اند برونند. این حرف را نه بخاطر ارضاء خودم می‌زنم، بلکه برای آن‌که شاید فیلم با شکوهی بشوند، من فکر نمیکنم این فیلم مثل فیلم‌های موزیکال دهه ۱۹۴۰ هالیوود از کار درآمده باشد.

این، یک داستان دراماتیک تمام با موزیک است»

یکی از علاقت هیلر آن است که در آینده نزدیک فیلمی با «لارنس الیور» بسازد، «من دوست دارم با او کار کنم، اما از این فکر نمی‌ترسم»

بهن تقدیر، این زمان است که شاید این دوبای غیر ممکن را بسرای او جامه عمل و حقیقت بپوشاند!

وی اخیر آخرین فیلمش «مردی از لمانچا» را با شرکت سوفیا لورن و پیترا اول به اتمام رسانیده است.

در گفتگوی اول، هیلر درباره فیلم‌های و ستارگانی که او در فیلم‌های آنها را رهبری کرده، حرف زده است.

آرتور هیلر آدم شوخ طبعی است و این را همه کسانی که با او کار کرده‌اند، می‌گویند. مخصوصا می‌گویند که او در می‌کند و برای دیگران تعریف می‌نماید. یکی از این «جول» هارام برای «والتر» موردا بزرگ‌ترین فیلم‌هایش «جول» دست ۷۱۹ (پلازا سویت) چور کرد که نامدنی اسباب‌خنده دیگران شده بود.

آرتور هیلر یک کارگردان کانادایی است که در سال ۱۹۲۳ بدنیا آمده و بعدها کارپهنری خود را در دیو و تلویزیون کشور خود آغاز کرده است.

در سال ۱۹۵۵ او به اتفاق «مستر» به هالیوود می‌رود و نمودار اینجاست که «هیلر» کار فیلمسازیش را آغاز می‌کند و فیلم‌هایی چون «آمریکایی شدن امیلی» «پاپی» «آپارتمان شماره ۷۱۹» «دسته‌محقق» «بیادستان» و «مردی از لمانچا» را می‌سازد.

مردی از لمانچا اولین فیلم موزیکال «هیلر» است که تهیه‌کننده‌اش می‌پسندد.

با احتمال قوی این فیلم، مشکل‌ترین فیلم «هیلر» تاکنون بشمار می‌رود، چرا که به‌کونموژیسکال ساخته شده. وی با استفاده از داستان «دن کوشوت» فیلمی-فانتزی با مایه‌های موزیکالی ساخته و در آن کوشش کرده که دنیا را از دریچه دید «سانچویانزا» نسوکر دلقک ماب «دن کوشوت» تصویر نماید.

آرتور هیلر وقتی تعطیلات خود را در آمریکا جنوبی می‌گذراند، کمیانی یونانی‌دوست دده واریتی» اطلاع داد که هیلر را برای کارگردانی این دو سواند موزیکال انتخاب کرده است.

البته قبلا خود هیلر بهیچوجه از این قصدا خبر نبود. کمیانی اورتیه فیلم‌براهم بخود هیلر را گذار می‌کنند پس از چندی او با انتخاب سوفیا لورن و پیترا اول، رسماً کار را شروع می‌کند.

«هیلر در مورد این دوبایزگی می‌گوید: «سوفیا لورن زن بسیار مضمی است. او مصمم بوده که خودش در این فیلم بجای خود او از بنخواند و دوامه قبل از آن‌که ما کار را شروع کنیم، او تمین او از را آغاز کرد. و سرانجام او بجای خودش در فیلم آواز خواند.»

فیلم مورد علاقه هیلر «آمریکایی شدن



محبوب‌ها

برندگان سپاس سال ۱۳۵۰، عنوان محبوب ترین هنرپیشه زن و مرد سال را بخود خواننده موزیک پاپ انتخاب شده است - هشتاد هزار نفر در فرآندوم

منطقه نام‌های دیگری چون کیمیائی - مهرجویی - زورک مطلبی - داریوش - بیضائی - قرب - پنجمی خورد - خوانندگان مجله جوانان

داریوش صادقپور، را به عنوان محبوب ترین فیلمبردار و اسفندیار منفرد زاده را به عنوان بهترین آهنگساز سال معرفی نمودند. تا گفته نماند فیلم دوستان

دنیای موزیک

در زمینه موزیک رقابت زیادتری وجود داشته است و عارف که سال گذشته محبوب ترین چهره موزیک جاز از طرف خوانندگان جوانان انتخاب شده بود، امسال عنوان خود را با متوجه تغییر در پک با «۳۳۴۵۱» مقام اول را بدست آورده اند. در میان خوانندگان

بیک ایما نوردی - بهمن مفید - ایرج قادری - تقسی مختار و همایون به ترتیب اکثریت رای قراردادند.

در بین هنرپیشگان زن بهداز فروزان برتیر، گوگوش - پوری بنائی - مرجان - مهناز - ایرن فرزانه تانیدی - لی لی - سپیده و جمیله قراردادند.

و در زمینه فیلمهای محبوب سال ۱۳۵۱ در فرآندوم جوانان فیلم کلبی ساخته رضا میرلوحی مقام اول را کسب کرده است و سپس فیلمهای بی تا - بلوچ - رنگبار با پاناداد - گروهان - غریبه - پستیچی - جهنم + من - مرد فرار دارد.

چالب آنکه از بین ده فیلم انتخاب شده از طرف خوانندگان جوانان، ۷ فیلم به عنوان کاندیدای دریافت جایزه سپاس، در جشنواره سینمایی سپاس شرکت می کنند. محبوب ترین کارگردان سال ۱۳۵۱ سینمای ایران از نظر خوانندگان جوانان امان منطقی است که پر فروشترین فیلم سال قبل را کارگردانی کرده بود و بهداز امان

«فیلم هنر» از آنجا که در درجه اول یک نشریه هنری است و می بایستی جریانات هنری را دنبال کند، خوشوقت است که بتوان نخستین مجله - بعد از مجله جوانان - نتایج فرآندوم را با اطلاع خوانندگان خود میرساند و تردید نیست که این همکاری ها و همفکری های مطبوعاتی میتواند در پیشبرد هدف های مشترکی که مطبوعات بایکدیگر دارند، موثر واقع شود.

دنیای سینما:

طبق فرآندوم مجله جوانان برندگان جایزه سپاس بهترین بازیگر زن و مرد سال ۱۳۵۰ یعنی ناصر ملک مطیعی (با ۳۳۴۵۰ رای) و فروزان (با ۱۷۸۷۶ رای) عنوان محبوب ترین هنرپیشگان مرد و زن سال را در این فرآندوم بدست آورده اند و این میرساند که برندگان سپاس سال گذشته هنوز در اوج شهرت و محبوبیت قرار دارند.

بهداز ملک مطیعی هنرپیشگان دیگری چون پهر و زور لوفی - منوچهر و شوق - سعیدراد - فردین -

مجله جوانان بشوید همه ساله خود، امسال نیز در فرآندوم عظیمی را برگزار کرد که طبق آمارهای که در جوانان درج شده است بی ای این فرآندوم هشتاد هزار نفر شرکت کرده و محبوب های سال را انتخاب کرده اند. هر سال که از برگزاری این فرآندوم میگذرد، اهمیت و ارزش زیادتری می باید پذیرد این رسمی است در تمام محلات تهران از دلتا که در پایان هر سال از طریق فرآندوم محبوب های سال را انتخاب می کنند.

در ایران نیز در سالهای قبل در مطبوعات فرآندوم هایی برگزار می گردید که متأسفانه دوام نیامد اما جوانان که اینک در میان نسل جوان و علاقمند مسائل هنری آن محبوبیت خاصی برخوردار است، این فرآندوم را همسایه برگزار و با بی گوری هر چه زیادتر آن را دنبال می کنند.

و این میرساند که تا چه حد مسئله سینما، موزیک، تلویزیون که با هم جورجوانی همراه است در میان همه بخصوص نسل جوان رسوخ پیدا کرده است.



ی دنیای هنر

اختصاص دادند - گوگوش بعنوان محبوب ترین مجری زن تلویزیونی و محبوب ترین مجله جوانان برای انتخاب محبوب های سال دنیای هنر شرکت کرده اند.

موزیک پاپ «گوگوش» هم چنان بیش تا ناست و مقام اول را دارد. و از جهت آنکه عارف سال مدام در لیست محبوب ترین چهره موزیک جا از ایران شناخته شده است از طرف جوانان یک دیپلوم افتخار دریافت خواهد کرد. در زمینه آواز ایرانی ابرج مقام نخست را دارد و عنوان محبوب ترین خواننده زن موزیک ایرانی را همستی بدست آورده است.

ناگفته نماند که بعد از ابرج، گلپا و وفای از دیگران آراء زیاده تری بدست آورده اند و عهدیه و همیرا نیز بعد از همستی قرار دارند.

از طرف جوانان ایران، ترانه قلم بعنوان محبوب ترین ترانه ایرانی سال انتخاب شد، و چه انتخاب بهجائی است زیرا این ترانه را کورد فروش تازه ای در میان صفحات ایرانی بدست آورده است. بعد از قلم آهنگهای دیگری چون جاده گوگوش، نماز فروغی، کلنکی عارف، گلنخ و کوش بیغالی، اشک دافشین، دزدل و منوچهره قرار دارد.

در طی این فرآیند مطالب جهان بخش پازو کی بنوا از محبوب ترین آهنگ سازان و رجنتی عطائی بعنوان محبوب ترین ترانه ساری سال انتخاب شده است. ناگفته نماند که تام چونز بعنوان محبوب ترین خواننده مرد خارجی - شرلی بیسی بعنوان محبوب ترین خواننده زن خارجی و ترانه قصه عشق، عنوان محبوب ترین ترانه خارجی سال بدست آورده است.

دنیای تلویزیون:

● بعلت محدود بودن سریال های تلویزیونی و بازیکران آن در سال قبل، رقابت زیادی بین بازیگران تلویزیونی چشم می خورد. در حال حاضر سریال تلویزیونی ایرانی از تلویزیون ملی ایران بخش می شود که هر سه آنها عنوان محبوب ترین را بدست آورده اند، آدم جوا اول و خانه بدوش دوم و پرواز سوم شده است. با طبع زمانی که یک سریال تلویزیونی محبوب واقع شود، بازیگران آن نیز عنوان محبوب را کسب خواهند

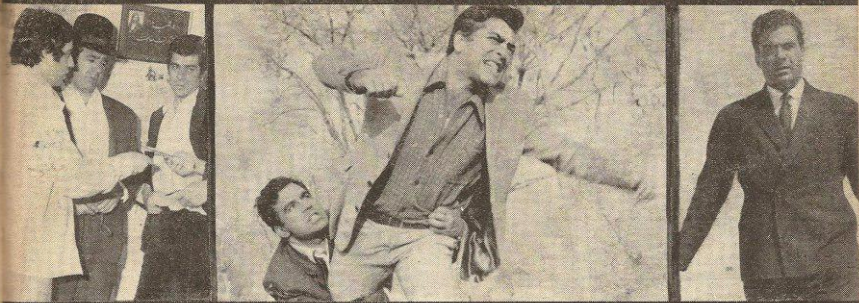
کرد زیرا در این فرآیند مسعود اسداللهی بازیگر، نویسنده و کارگردان سریال آدم جوا عنوان محبوب ترین هنرپیشه مرد تلویزیون را در سال ۱۳۵۱ بدست می آورد و می می سوز عنوان محبوب ترین بازیگر زن سال را بد از این در میان مردان هنرپیشگانی چون کاروان بهمنیار صیاد حسین حسینی قرار دارند و در میان بازیگران زن نگار و تپلا

در میان برنامه های سرگرم کننده تلویزیون تلویزیونی عنوان اول تا چهارم را بدست می آورند بدین ترتیب چشمک سلام همسایه ها، ناسیو نال شوهر و اریته قرین افشار. فریدون فرخساز در فرآیند مجله جوانان عنوان محبوب ترین مجری برنامه در میان مجریان مرد «گوگوش» عنوان محبوب ترین مجری زن را بدست می آورد و فریدون فرح اندوز محبوب ترین گوینده مرد تلویزیون می شود و دلارام کشمیری عنوان محبوب ترین گوینده زن را بدست

می آورد. در میان هنرمندان مرد خارجی تلویزیون قوئی کر تیس بخاطر بازی در سریال کوشگران عنوان محبوب ترین بازیگر مرد در بین دی بازیگر سریال دنیای یک زن عنوان محبوب ترین بازیگر زن و سریال چاب کوشگران عنوان محبوب ترین برنامه خارجی تلویزیون را کسب می کنند.

از نکات جالب این فرآیند بدست آوردن چند عنوان محبوب برای گوگوش است و در این فرآیند محبوب ترین مجری زن تلویزیون، محبوب ترین خواننده موزیک پاپ و مقام دوم محبوب ترین بازیگر زن سال را بدست می آورد و این مهم را آنکه تا چه حدی هنوز از محبوبیت برخوردار است.

● شهنیر تریک به برندگان فرآیند جوانان، آرزو بدیدم همکاران مطبوعاتی مادر برگزاری هر چه بهتر این فرآیند هنری در سالهای آینده، متوقف حاصل نمی آید.



● ناصر ملک مطیعی در صحنه‌ای از فیلم‌های (به ترتیب از راست بچپ): سوداگران مرگ - طوفان نوح - عیصر

مر دهمه ز مانها... مر دهمه ز مانها... مر دهمه ز مانها...

قسمت دوم

هفته روز به اعدام: ملک

مطیعی و محسن مهدوی که قابتهائی نیز در زمینه بازیگری با یکدیگر داشتند، در فیلمی تحت عنوان «هفته روز به اعدام» و تحت رهبری دکتر هوشنگ کاوسی منتقد تند و تیز بازی کردند و جنجال فراوانی در مورد این فیلم کاوسی برپا گشت و یکمقدار دسته بندی‌هایی که علیه

کاوسی و کار سینمایی اش ابراز گردید، سبب شکست نسبی فیلم مزبور شد!

۱۳۳۶

بازگشت به زندگی: فیلم «بازگشت به زندگی» نیز مانند فیلم «هفته روز به اعدام» محصول استودیو عصر طلایی بود و اینبار عطاءالله زاهدکارگردانی این فیلم عصر طلایی را انجام داده و ملک

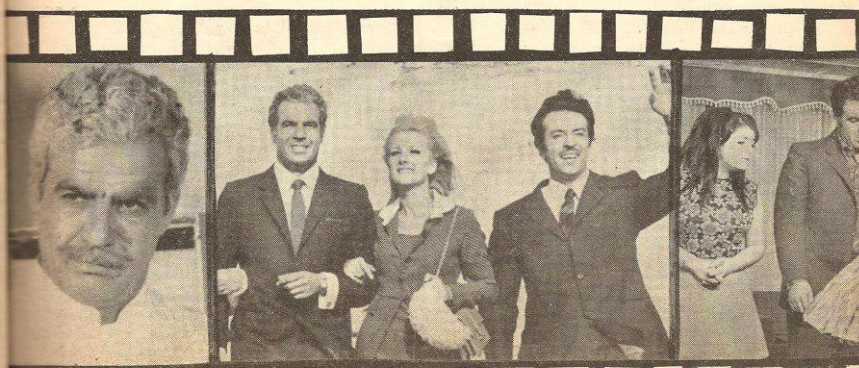
مطیعی که قرارداد بازی در دو فیلم از محصولات این استودیو را با امضاء رسانیده بود، با بازی در فیلم «بازگشت به زندگی» که تا قبل بر روی اکران آمدن فیلم «هفته روز به اعدام» تهیه آن آغاز شد، در حقیقت به قرارداد بازی خویش در دو فیلم از عصر طلایی عمل نمود!

۱۳۳۷

عروس فراری: و باز هم یک

فیلم رنگی دیگر برای ملک مطیعی دست‌وپا گشت و این فیلم «عروس فراری» نام داشت که بعد از فیلم رنگی «گرداب» دومین فیلم رنگی ملک مطیعی محسوب می‌شود بدین ترتیب بدانند که در فیلم «عروس فراری» ایفاگر در مقابل ملک مطیعی، دلکش بود که دو کاراکتر دختری «دانی» و «دختر شهری» را در فیلم نیز بورد جسمه‌ساخت، و ناگفته نماند که ملک مطیعی در این محصول

● ناصر ملک مطیعی در صحنه‌ای از فیلم‌های (به ترتیب از راست بچپ): قصه‌دلها، جیب‌بر خوشگله و فرار از حقیقت





● ناصر ملک مطیعی (بهتر تیب از راست به چپ) در فیلم های: ابرام در پاریس - جانه زرین سمرقند - لذت گناه

مر دهمه ز مانها... مر دهمه ز مانها... مر دهمه ز مانها... مر دهمه ز مانها...

بازی در فیلم «دشمن زن» را که ویدا قهرمانی هم در آن بازی داشت با تمام رسانید و البته تحت دهمری کارگردانی چون پروین خطیبی. ضمناً یک مقدار بحث های نیز درباره فیلم و چگونگی بازی ملک مطیعی در فیلم «دشمن زن» در مطبوعات منعکس گردید!

۱۳۳۸

دوقلموها : در این سال ملک بقیه در صفحه ۳۹

ذکر می شود که فیلم «طلمسنگسته» برای نمایش در چند کشور هم جوایز و حتی غیر هم جوایز نیز خریداری گردید و کم و بیش سر و صدائی بها نمود.

دشمن زن : قراردادی بسیار با ملک مطیعی بسته شد تا مدت ده شب تا نوزد از وقت خود در اختیار اطمینان فیلم و بازی در محمولی از آن قرار دهد و باین ترتیب ملک مطیعی در مدت این ده شب تا نوزد کار مداوم

از استودیو یار سفید و موسوم به «طلمسنگسته». فیلم رنگی دیگری از ملک مطیعی بحساب می آید که بار دیگر ملک مطیعی را همه کاری بسا کارگردانی چون سوامک با سمی و ادانت والیبه در کنار هم تر پیشگانی دیگر همچون ژاله تهمینه و بالاخره «دلکش» که در فیلم قبلی ملک مطیعی نیز یعنی «عروس فراری» در مقابل او را ایفاء می کرد

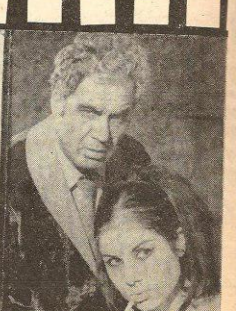
و اما باین ترتیب از این نکته هم

یاد سفید و بسکارگردانی دکت اسماعیل کوتان، نقش یک جوان عاشق پیشه را بر عهده داشت و ضمناً دلکش نیز ترانه های در فیلم می خواند و بخصوص در صحنه های با اصطلاح رمانتیک و گردش های عاشقانه ملک مطیعی و دلکش. و از جمله :

— سخن که از دونه بلند تنک طلا سر میزند!

طلمسنگسته: محمولی دیگر

● ناصر ملک مطیعی در فیلم های (بهتر تیب از راست به چپ): گرفتار سهیلیون فراری - مردها و جاده ها



حرفه‌ای یا :

لاندا بوزانکا

بازیگر فیلم های « عشق دانمارکی و مرد استثنائی »

● لاندا بوزانکا، کم‌دین ایتالیایی که این روزها در ایتالیا و سایر نقاط دنیا به شهرت و محبوبیت درخشانی دست یافته و کارش خوب «گل» کرده است. هرگز فکر نمی‌کرد که روزی صاحب این همه اشتهار و ترفوت بشود. روزهای که در تئاتر یک هنرپیشه جزء بود و نقش‌های کوتاه و بی‌اهمیت بازی می‌کرد، هیچگاه به آینده‌اش به این نحو، اطمینان نداشت.

لاندا بوزانکا اصلاً یک سوسیالیست، با همان لجه شیرین و قفاچه خوش‌مشرب که مورد توجه همه قاری می‌گیرد و اتفاقاً این قفاچه و طرز نگاه و خنده‌های اوست که تپ استثنائی «لاندا» سبب شده که در مدتی کوتاه در سینما به اعتبار قابل توجهی دست پیدا کند.

لاندا بوزانکا در آمریکا و اروپا به چنان محبوبیتی دست یافته که کمتر یک کم‌دین ایتالیایی تا این حد دست می‌یافت.

لاندا ابتداءً نقش کوچکی در فیلم «پیتروجرمی» بنام « قریب خورده و رها شده » بازی کرد و میتوان گفت این «جرمی» بود که او را به دنیای سینما شناساند. لاندا پس از یک مدت قائلت در تئاتر، به سینما روی آورد و نقش‌های خیلی کوتاهی در فیلم‌های کم‌دین ایتالیایی بازی کرد، اما هیچکدام چون فیلم «جرمی» او

را متمایز نداشت. بازی در یک فیلم کم‌دین جیمز باندری که یک جور ججو «جوز باندا» بود یا «جیمز تانت» کارش بهتر و اقبال «لاندا» را یکسره کرد و او را پیش از پیش مشهورتر ساخت.

بازی در فیلم‌های سکسی، بخصوص وقتی که «لاندا» نقش مردهای خیالی را که از دهه به شهر پیدا بود و گرفتار زنهای مردخواره هم بشوند، بازی کرد، لاندا را محبوب‌تر ساخت از این قبیل فیلم‌ها می‌توان از « ازدواج سوسیالیستی کشش کبر و وزن پرور» و وقتی که زن‌ها مد داشتند، مرد کم استنها و زن پراشتها، عشق دانمارکی و مرد استثنائی را نام برد که همه آنها را نیز در تهران نمایش داده‌اند و می‌شود گفت که «لاندا» در ایران از همه جا مشهورتر شده است!

در جریان فیلمبرداری آخرین فیلمش «مرد استثنائی» (که اینک در تهران روی اکران است) گفتگویی با «لاندا بوزانکا» ترتیب داده شده که قسمت‌هایی از آن را مطالعه می‌فرمائید.

از «لاندا» می‌پرسند که در مورد استقبال مردم تماشاگران فیلم‌هاش چگونه می‌اندیشد و از جواب میدهد:

● مردم از قفاچه من خوششان می‌آید و مرا دوست دارند. تماشاگران فیلم‌ها من از من توقع

دارند که با همین چهره در فیلم‌ها ظاهر بشوم، چون مرا بسا این قفاچه دوست دارند. از طرفی، من می‌توانم یک هنرپیشه جدی هم باشم چون من هنرپیشگی را بطور علمی و عملی آموختم!

از او می‌پرسند که کار کدامیک از کم‌دین‌های ایتالیایی را می‌پسندی و دوست داری؟ او جواب میدهد:

● «گوتو نیازی، آلبرتو سوردی و نینوما نفری» محبوب - ترین کم‌دین‌های من بشمار میرود و من برای کار این سه نفر ارزش خاصی قائل هستم.

لاندا بوزانکا مثل همه کم‌دین دیگری، در خارج از ساعات کار فیلمبرداری مردی است جدی و خفک دهمین دلیل وقتی سوالی در این مورد از او بعمل می‌آید می‌گوید:

● «چطور می‌شود همیشه این حالت را تلقی ما را حفظ کرد؟ این موضوع یک امر طبیعی است. مگر یک کم‌دین همیشه باید بخندد یا بخنداند؟ او قوی‌پیش می‌آید که من باید دست‌ازشویی و خنداندن بردارم و آن هم مواقع گرسنگی و خستگی است!!»

از او می‌پرسند چگونه تا این حد مورد توجه قرار گرفتند و آیا احساس ستاره‌های سینما در قبال تو چگونه است؟

● شاید بخاطر آن که از نظر فیزیک و چهره بخصوصی

دارم، (یک بینی بسیار بزرگ چشمان ریز و قد بلند و...) مورد توجه قرار گرفته‌ام. من باعث خنده هنرپیشه‌های زن فیلم‌های خود میشوم و شاید همین که مردم ایده‌آل برای آنها باشم. ولی بهر حال هرگز خود را با یکم زینا نمی‌دانم!

لاندا بوزانکا با یک دهر سال حدوداً فیلم بازی می‌کند و همین مورد، سوالی است که از او بعمل می‌آورد و او می‌گوید:

● بخندا حساب فیلم‌های از دستم دررفته. شاید ۲۰ فیلم ولی باید بگویم که بیشتر آنها حتی خودم را هم راضی نمی‌کنند چه برسد به منتقدین ایتالیایی که بهیچوجه میانه خوبی با من ندارند و از فیلم‌های من بدشان می‌آید، حق هم دارند.

اما بهر حال من شاید تا ۳۰ سال دیگر هم چهره مورد توجه و محبوب مردم باشم و تا زمانی که از من استقبال میشود، این چنین فیلم‌هایی نیز ساخته خواهد شد.

از لاندا بوزانکا سوال میشود خیال نداری خودت فیلم کم‌دین بسازی؟ وی پاسخ می‌دهد:

● ترو بخندا چنین سوالی را از من نپرسید. من حالا وقت زیادی دارم که کارگردان بشوم و علاوه بر این کار را بکنم. من اکنون پول خیلی بابت بازی در فیلم‌ها می‌گیرم، چرا باید عیش خودم را بر طرف کنم و دست



تکری بز نم که بعدها برایم
 سمائی بیار آورد؟!
 نظر لاندو را در مورد فیلم
 بوقتی که زنها دم داشتند و کار
 در آن واسکوااله فستا کلمپا نیله،
 می پرسند:

● باسکوااله یکی از
 کارگردانان خوب ایتالیایی است
 و بوقتی که بین پیشنهادش در
 فیلم او بازی کنم خودم حس کردم
 که موقعیت خوبی برایم پیش آمده
 است. شخصاً از بازی در این فیلم
 خوشحال هستم. گوآن که این
 فیلم موجب شد که فیلم کمتری
 بازی کنم، ولی اصلاً ناراضی
 نیستم. این وسواس و دقت
 زیاده از حد کلمپا نیله، برایم
 جالب توجه بود. چون هرگز
 در فیلم های دیگرم، کارگردانان
 تا این حد به جزئیات فیلم هایشان
 توجه نداشتند.

لاندو بوزانکا قرار است
 برای بازی در یک فیلم کمدهی سه
 آمریکا بسزود و اگر او بتواند
 اندکی از پیشنهادات فیلمسازان
 ایتالیایی که مرتب بسراغ او
 میروند، بنگاهد به این سفر خواهد
 رفت. چون باثهری که در آمریکا
 نیز بدست آورده، حس زده میشود
 که فیلم لاندو در آنجا بسا توفیق
 زیادتری رو برودد.

آخرین فیلمی که لاندو اینک
 در ایتالیا بازی می کند «هر دقیقه»
 نام دارد که بازیک فیلم سکسی
 در زمینه فیلم های قبلی اوست.



معمولا برای کشیدن فیکورهای ساده و معمولی که بیشتر به فیکور طبیعی حیوانات و انسان شباهت داشته و برابری میکنند، در موقع طرح برزی اولیه آنها از اشکال دایره و بیضی و اشکال کوتاه و بلند (لوامانند) استفاده میشود و بعداً این طرح‌ها را تکمیل کرده و در فیلم بکار میبرند

همانطوریکه قبلاً هم گفته شد نقاشی فیلمهای نقاشی متحرک و یا فیلمسازی آماتوری که خود طرح و نقاشی صحنه‌ها را انجام میدهد بایستی مطالعه کامل در مورد حتی کوچکترین حرکات حیوانات و انسان در حالات مختلف داشته باشد که در تصاویر شماره ۸۶ تا ۸۹ حرکات یک اسب در حالات مختلف نشان داده شده است.

امروزه برای نقاشی در فیلمها از کاغذ مخصوصی استفاده میشود که از یک نوع کاغذ (زورورق سفید) ساخته شده است. این کاغذها بسیار شفاف و محکم هستند که میتوان بر راحتی روی آنها نقاشی نموده و حتی ۱۲ بار روی هم قرار داده و با یک نور خوب تمام تصاویری که روی آن‌ها نقاشی شده به خوبی فیلم برداری نمود. استفاده از این کاغذ تسهیلات زیادی در کار تهیه فیلم نقاشی متحرک ایجاد میکند که برای روشن شدن موضوع و طرز استفاده صحیح آن صحنه‌ای که در اول این بخش مثال زده ایم مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و بکمک این کاغذ آنرا برای فیلم برداری نقاشی میکنیم.

برای این صحنه ۳ ثانیه‌ای ما احتیاج به ۳۸ تصویر نقاشی داشتیم. طرح اولین تصویر ما شامل موز غذا خوردی، مردی که پشت آن ننشسته - یک کمد ظروف و دیوار اتاق که عکس منظره‌ای هم به آن آویزان است، و بود حال اگر فیلم ساز با نقاشی فیلم بخواهد تمام این اشیاء و لوازمی که در صحنه وجود دارد در ۳۸ تصویر مورد لزوم یکسره وقت زیادی گرفته و کار طاقت فرسائی است و از طرفی کشیدن آنها بطور یکسان و بدون تغییر خیلی مشکل است در اینجا میتوان از (کاغذ مخصوص زورورق) استفاده نمود بشرح زیر:

قبل از هر چیز تصویر فوق را در قسمت‌های مختلف تجزیه میکنیم. اولین قسمت (پشت تصویر) خواهد بود که شامل دیوار، کمد ظروف و عکس منظره روی دیوار بود که روی یک کاغذ تقریباً موقالی (پرنک - خاکستری و زرد بسیار روشن) کشیده میشود. (بدین ترتیب احتیاجی نیست که این قسمت از تصویر ۳۸ بار تکرار شود. در موقع فیلم برداری این قسمت را که در تمام مدت تهیه این صحنه ثابت خواهد ماند، بطوری زیر در دوربین قرار میدهیم که بتوان آنرا از زیر هم تورداد.

دومین قسمت تصویر فقط بدن مردی است که غذا میخورد، عکس این مرد روی یکی از کاغذهای مخصوص زورورق بطوری بجای خود کشیده میشود که اگر آنرا روی تصویر کشیده شده اولی قرار دهیم درست در جایی باشد که در طرح اولیه نقاشی قرار داشت.

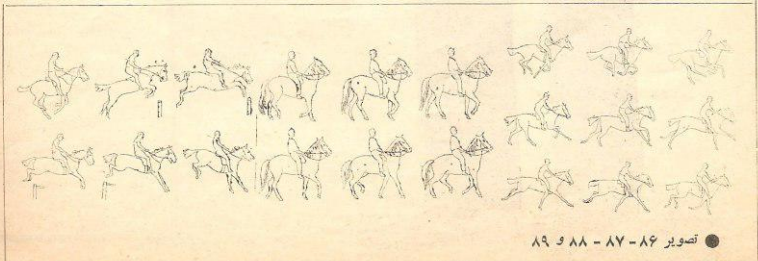
ادامه دارد

«۵۴»

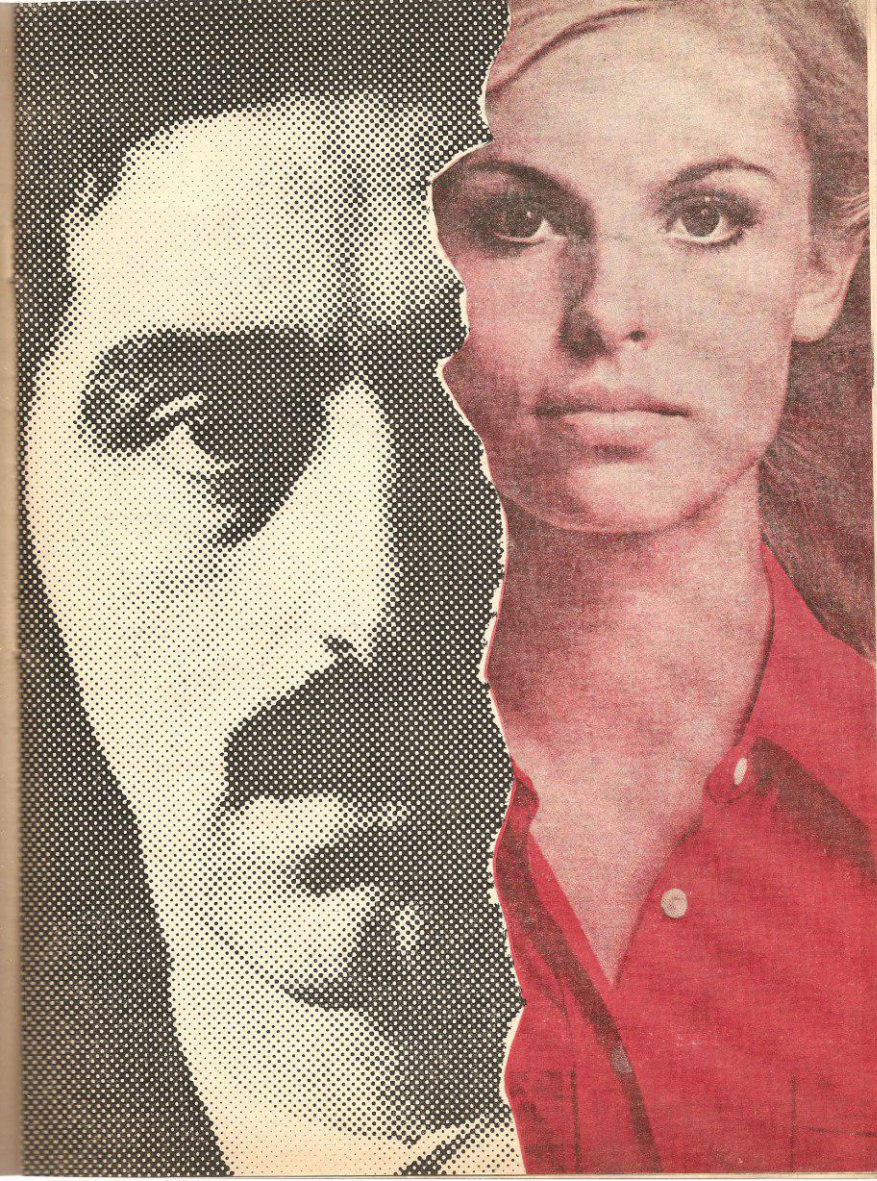
نقاشی فیلمهای نقاشی متحرک در طرز کشیدن و نشان دادن فیکورهایش آزادی کامل ندارد و تابع مقرراتی است. زیرا او نمیتواند فیکورهایش را بطوری انتخاب کند که حالت کاملاً طبیعی داشته و با آنچه که در طبیعت وجود دارد، بهمانت دیگر با تصویر اصلی حیوان و یا انسان، مطابقت نماید.

در این صورت در بیشتر مواقع به جاهائی برخورد میکند که مجبور میشود برای نشان دادن کاراکتر فیکورهایش جز ثبات حرکات آنها بسیار پیچیده و مشکل شوند بطوریکه معمولی‌ترین و جزئی‌ترین حرکات آنها را در نقاشی‌های بسیار زیاد تکرار کرده و یکسره که بعضی اوقات کار تهیه فیلم را نیز مشکل و غیر ممکن میکند.

بنابر این نقاشی بایستی فیکورهایش را نا آنجا که ممکن است، ساده تر از آنچه که در حالت طبیعی هستند یکسره و آنها را از احاطه (آنا تومی) تغییر داده و فقیر تر یکسره بدون اینکه لطمه‌ای به اصل فیکور انسانی یا حیوانی و کاراکتر آنها زده باشد. در این مورد بایستی دقت به خرج داد چون هر چند که فیکورها ساده‌تر و کثوتد بهمان نسبت هم نقاشی بایستی با آنچه که از این اطلاعات کاراکتری برایش باقی مانده حالات مختلف آنرا نشان دهد.



● تصویر ۸۶ - ۸۷ - ۸۸ و ۸۹



عریان، مثل پائیز

بر ایقان در فصل اول نوشتیم که:
 زهره بعد از مرگ پاپا، زندگی دستخوش ماجراهای متعددی شد. مادرش بسامردی بنام هاشم آقا که راننده کامیون بود ازدواج کرد و بعد از دو سال از او طلاق گرفت.
 زهره دستهای که در کلاس چهارم دبیرستان

نوشته: م. صفار

پیششده میگذرد که بهترین بیابانها وقت زهره و مادرش فخری، همراهِ مهندس امیر عازم تهران میشوند.
 اینکه دنیا به این ماجرای جنجالی از زبان زهره بخواند:

درس بخواند با برادر فریده بنام ایرج آشنا شد و عاشق درسفری که بر امر کرده بودند ایرج و زهره با یکدیگر همسفر شدند. و پدر ایرج نیز به زهره نگاه کرد.
 پس از این ماجرا، شخصی بنام مهندس امیر که مادر زهره در شرکت او کار میکرد در آنجا

که زیاد از خودتان سوال میکند که چرا عنوان پاورقی دختر شهر - باران را عوض کرده ام...
 چه دلیل خاصی داشت؟ جواب این سوال را با کمی تعمق بر احوالی میتوان یافت.

اکنون ما به نقطه ای از زندگی زهره، هنر پیشه تبلیغات و سینما می رسیدیم، که زندگی او بیروح و مرده و خجالی از هر گونه امید است...

زهره حالا با یک دنیا ناامیدی و پشیمانی دراز زندگی میکند و روزهای زندگی او سرد و بیروح است. درست مثل پائیز، لغت و عریان... تنها و بی کسی...

زندگی زهره در آغاز فصل دوم، برای خواننده هم که عهده فتنه خیزی از زندگی پرورده ماجرای او را بر سرش نهد بیکنیم، همچنان انگیز و پرکشش است... اما نکته ای که در این پاورقی فتنه است، مبین این حقیقت است که خیلی از ستاره های معروف، سر نوشتی این چنین داشته اند و شکنجه بارتر از زهره داشته اند.

م. صفار

فصل دوم - تهران

در تهران همه چیز را به بیرون و کسل کننده بود... آدمها، فریادها، خراباها، و همایوی سرسام آور شهر تهران هیچ عنوان نمیتوانست مرا از گذشته ام و از غمی که سر آمد وجودم را گرفته بود جدا کند. چه هم بزرگی است که آدم در میان جمع باشد، احساس خودش را نتواند از آنها حس کند. چه درد ناک است که آدمی پس سالها از آنحضرت تنهایی خود نداشته باشد، و من این چنین آدمی بودم.

محل اقامت ما در تهران، منزل مهندس امیر بود. مهندس امیرس هنگام ورود

✽ زهره، اکنون به بن بست زندگی خود رسیده است. او با اینکه در میان آدمها زندگی میکند، خودش را

از مرغی که درون قفس بالوریز میزند تنها تر حس میکند...

زندگی او مثل مرداب، بو گرفته است... زندگی او سرد و بیروح، لغت و عریان، مثل پائیز شده است.

میخواهد چکار کند. به هر وقتی که خواهد، نوبت خانه رسیده گی کند... مهندس امیر هم وقتی اسرار و پافشاری مادر را دید سکوت کرد و دیگر حرفی نزد.

اصولا او آدم ساکت و آرامی بود و کمتر در کارها دخالت میکرد. تنهایی من، باعث میشد که ساعتها بشنوم و به ایرج و فریده فکر کنم. بازها وقتی بیاد ایرج افتادم، و بیاد آن لحظات صمیمی و فراموش نشدنی، بشدت گریستم. اما هیچکس نبود که صدای

گریه مرا بشنود و هیچ دستی نبود که برای کمک بمن دراز شود. چند دلم میخواست که همیشه صدای ایرج را از بیرون لاله گوشم احساس کنم و چندر تمنا داشتم که یکبار دیگر دستهای گرم و پیر خردان او را در دستهای خودم بفشارم.

لیکن سر نوشت ما من بازی بدی را شروع کرده بودم. مجبور بودم از آنها که دوستشان داشتم بگریزم و از آنها که بهم میآمد در نزدشان زندگی کنم.

مادر، من مادری بدولتمتی من، در طول دوره های که از اقامت مادر تهران میگذشت، نسبت بمن مثل یک تیکه پیخ شده بود...

بتهران، قبلا توسط بستگان خانهای درخشان بهلولی، نزدیک شمیران اجاره کرده بود و تک و تنها در آنجا زندگی میکرد و بهمن دلایل بمادر هم میپشتاد کرد که مادر آنجا زندگی کنیم تا وضعمان روشن شود.

مهندس امیر، آنچنان بما محبت میکرد که بجرأت میتوانم بگویم حتی یک پدر هم در حق همسرفروزندش این چنین از خود گذشتگی نشان نمیدهد.

مادرم روزها بشرکتی که مهندس امیر با آنجا منتقل شده بود میرفت و کار میکرد و ساعتیک بعد از ظهر بمنزل بازمیگشت... روزهای من با آن دو میگذشت... روزی مهرماه فرا رسیده من با دین دخترهایی که کتاب زیر بغل داشتند و در پوش منده سه و نه امان خودنمایی میکرد، دلم میخواست غش برود. حتی دوسه بار هم مادرم گفت که تکلیف مدرسه مرا در شان کند، اما مادرم بگفته های من وقتی نمی نهاد و حتی وقتی مهندس امیر تصمیم گرفت که مرا به مدرسه بفرستد، مادرم مخالفت کرد و گفت:

— زهره درس و تحصیل را

اصلا حال و احوالی از من نمپرسید و انگار نه انگار که من دختر او هستم.

روزها وقتی مهندس امیر و مادرم بشرکت میرفتند، من پشت پنجره می نشستم و به خیابان شلوغ و پر هیاهو نگاه میکردم... به آدمهای چودر و چور... و بدخترهایی که دست در دست دستهایشان در حاشیه خیابان، و در زیر دستهای سربلک کشیده زمزمه های عاشقانه سر میدادند.

زندگی من با بنیان ادامه داشت. آنوقت که در اواسط فصل پائیز دوباره زندگی من دستخوش تلاطم و هوجان تازه ای شد.

آنروز صبح، وقتی از خواب بلند شدم و دستشوئی رفتم، ناگهان سرم گیج رفت و افتادم کف دستشوئی. موقه میکه میخواستم زمین بخورم دستم را به حاشیه آینه دیواری دستشوئی گرفتم و آینه هم کده شد و کنارم افتاد روی زمین و شدم مثل خاشک.

از صدای شکستن آینه، مادرم و مهندس امیر هر اسان خودشان را به دستشوئی رساندند.

من از هولم، از جا جستم و ایستادم و با آینه حال تهوع شدیدی بهم دست داده بود معنای سمی کردم خود را کنترل کنم.

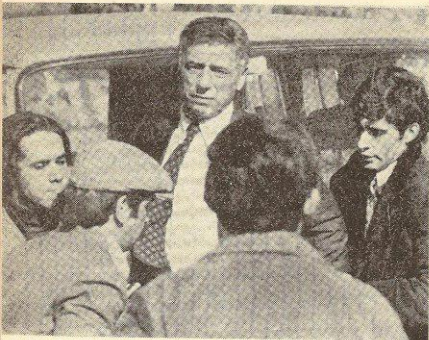
مادرم وقتی مرا در آنحال دید، عصبانی شد و گفت: — چیکار به آینه داشتی؟

با لکنت زبان و با یک دنیا غم زانده ناله ام: — نمیدونم چطور شده که...
 ادامه دارد

برنامه امشب گروه ممتاز سینماهای :

آسیا - شهوند - رکس - لیدو - نیتون - ژاله - المپیا
پاسارگاد - توسکا و درایوین سینما ونک





کس خود می کند و این امر موجب میشود که او بسا موتور تمامی شهرهای غرب آمریکا را به جستجو بگذراند .

اسلحه

● «جانی هایدی» خواننده، فرانسوی به بازیگران فیلم «اسلحه» اضافه شد. یکی دیگر از رهای این فیلم را «الوور ریبه» بازیگر انگلیسی برعهده دارد. الوور ریبه بتازگی همراه با «مارچلوماسترویانی» فیلم دیگری را در رم بویان رسانیده است. این فیلم «تمطیلات آخر هفته نامطبووع» نام دارد و مارچلوم الوور هر دو عاشق دخترتری میشوند و بخاطر او بر قنات بسا یکدیگر می پردازند .



مرد عقیم

● «لاندو پوزانکا» کمدین ایتالیائی که اینک تنها هنرپیشه کمدی است که فیلم هایش با فروش زیادی رو برده میشود ، به اتفاق «روسانا پودستا» یک پاردیکر با هم در فیلم جدیدی که این بار عنوانش «مرد عقیم» است ظاهر میشوند .

فیلم طبق معمول سرشار از چاشنی سکس و کمدی مثل فیلم «کشوش کپرو...» می باشد . این فیلم را فراس است «استو» - کارگردانی کند .

خشم

● «جورج. سی. اسکات» که آخرین فیلمش «بهارستان» با توفیق رو بر رفته ، دست بسکار ساختن فیلمی تحت عنوان «خشم» شده است .

«اسکت» در این فیلم به نقش یک گلدار ساکن شهر «ویومینگ» ظاهر میشود که ماجرائی ، او را وادار به انتقام از نزدیک ترین

فیلم تازه «کوستا گاورا»

● «کوستا گاورا» سازنده فیلم معروف «Z» (که تصور نمیرود آنرا در تهران مشاهده کنیم) باز در فیلم تازه خود به یک ماجرای سیاسی که جنبه واقعی دارد و در گذشته اتفاق افتاده ، توجه نشان داده است.

این فیلم ماجرای مردی را که برای یک تفکیلات بین المللی کاری کند و توسط انقلابیون دزدیده میشود ، بیان می کند. طبق معمول بساز هم نقش اول این فیلم را «ایومونتا» بازی کرده است . سایر بازیگران این فیلم «رنا توساوا توری» و «او. ئی. هاس» هستند . گاورا در مورد فیلم تازه خود به «حالت محاصر» نام دارد و منظورش ایالات متحده آمریکا است میگوید: «این فیلم واقیعت نمائنی از یک روای خیلی قدیمی است.

زمانی که من در سال ۱۹۴۷ ر یونان بودم شدیداً تحت تاثیر سفیر آمریکا «جان پور یفوی» واقع شدم ، این شخص بعداً در ناپلند دچار یک سانحه و مرگ مرموز شد . حادثه یا قتل ؟ در این فیلم گوشش کرده ام به این سؤال پاسخ بدهم .»

جورج. سی. اسکات به نقش «جس لاسکی»

● شنبه میشود که جورج سی. اسکات اظهار تمایل کرده که نقش «جس لاسکی» را که سالها بسا «آدولف آکور» مرد سنساله سینما که اخیراً جشن تولد صدمین سال او گرفته شد ، همکاری داشته است ، در سینما بازی کند. این فیلم از توبیو کرافی این مرد تحت عنوان «من در بوق خود می دم» ساخته میشود.

چهره تازه جون آلیسون

● «جون آلیسون» ستاره بسیاری از فیلم های موزیکال مترو، اخیراً در فیلم جنائی «آنها را با بیاشان» را بقتل میرسانده» شرکت کرده و بکلی چهره و کارا کتر تازه ای رومی کند. این فیلم نیز در کمپانی مترو ساخته شده است. چون گفته است، من میخواهم

با این نقش - یک زن بد که بدست پلیس دستگیر میشود - تماشاگران و علاقمندان سابق خود را شوکه کنم !

افسانه خانه جهنمی

● «جان هاف» فیلم ساز انگلیسی یک فیلم ما کابروت سنسک ساخته که «افسانه خانه جهنمی» نام دارد . در این فیلم «پاملا فرانکلین» رادی مک داول، گول هانیکات و کلیور ویلی» شرکت کرده اند. داستان فیلم را از نول بر فروش «ریچارد ماتسون» اقتباس فر

کرده اند و خود نویسنده ستاریوی فیلم را نیز نوشته است.

کارلویزانی و فیلمهایش

● کارلویزانی فیلم ساز ایتالیائی در ایس مضاء فیلم - «آمریکای امروز» و در ماضی «چهار روز آخر زندگی» فیلم «موسولینی» را جلوی دوربین خواهد دید. در سال آینده فیلم «بروند» را پیشاک» که در محمول مشترک آلمان - ایتالیا و مجارستان می باشد. خواهد ساخت.

فیلم تازه زفییره لی

● «فرانکو زفییره لی» فیلم ساز ایتالیائی که آخرین فیلمش «برادر خورشید» خوان ماه، در هفته های اخیر از مدرن ایتالیائی در آرشو فیلم ایران به نمایش درآمد، مقدمات تهیه فیلمی را بر اساس انتر کلاسیک آلتسان در دوما پسر با سم «کامپل» فراهم می کند و در جستجوی یک انگریس انگلیسی است که نقش اصلی آن را بازی کند. از طرف دیگر «پیترو داف» که فیلم «ساخت انگلستان» ساخته ، نیز بر اساس این داستان ستاریوی نوشته و میخواهد نقش اصلی رابه دو مینی کساندا» بدهد.

نظرها

ده روز اضطراب

اولین نمایش عمومی از فیلمسازی آگاه

این اولین فیلمی است که ما از کلود شابرول می بینیم و همین بکفیلم کافی است تا به وجود فیلمسازی بسیار آگاه و پر معتقد شویم: فیلم داستان ساده و پیش با افادهای دارمنتها در دست شابرول و با پرداخت محکم او (که کارهای هیچکاک را بخاطر می آورد) شکلی فوق العاده یافته: قسم بیانی شابرول کاملا چشم گیر است (کادریهای نامیزان و حرکات گویج کننده دور بین در ابتدای فیلم که بخاطر آقای شخصیت نامتعادل، بیمارگونه و مایلخو بیایبی چارلز آنتونی پرکینز) است و با در صحنه های دیگر همیشه چارلز در کنار پنجره قرار دارد که این باز اشاره به نامتعادل بودن روحی اوست) و این طرز بیان در خدمت معرفی تمام کاراکترهاست مثلا برخورد اول یل (میشال پیکولی) و هلن (مارلین ژوبیر) در ایستگاه راه آهن، ابتدا دور بین پسل را تا زمانیکه بسداخل ساختمان راه آحسن می رود تعقیب می کند سپس اوچ میگیرد از ساختمان می گذرد ووقی آنظر فساختمان فرود می آید در صورت دزدان را در کادردارد که با صداندن پل در یک زوم بک پل نیز در کادر قرار می گیرد که ایسن حساسی از برخورد هائی است بین ایسن دو (بر خوردی نظیر حق اسکوت گرفتن پل از هلن) و این حرکت فتنک دور بین نه تنها این مفهوم را القای کند بلکه زمان و مکان ماجرا نیز برای تماشاگر معلوم می سازد (در این اوج گرفتن دور بین و فرود آمدن یک ساعت تا بلونی که اسم شهر روی آن کشیده در کادری می آید، و ناظیر تلفن زدن چارلز در ابتدای فیلم، در حالیکه صدای بسوق تلفن بگوش می رسد دور بین از روی شهر گردشی می کند و با این ترتیب هم زمانی را که باید بگذرد تا تلفن وصل شود گذرا ندهو هم اینکه تماشاگر را در مکان قرار داده) میزان سنا، کادربندی ها،واو طرز قرار گرفتن آدمکا در کادرهاست فوق العاده جالب است، سر میز شام آدمکا هر کدام به ترتیب روابطی که باهم دارند یا خواهند داشت در کادر قرار می گیرند و پدر خانواد (ارسن و با ربدو- شام بر سر میز نشسته که نشانه اعتماد بنش و متکی بودن او به خود و جس تمک فوق العاده اوست نسبت به خانه اش و افراد ساکن آن و این بر تری و تسلط در صحنه ای که هلن از او اجازه می گیرد تا به باغ پیش چارلز برود در یک زاویه بالا (های انگل) کاملا نمایانده می شود و همچنین ضعیف و عاجز بودن هلن را در برابر او نشان میدهد.

لباسهای ساده روشن و زننده ای که هلن می پوشد رساننده شخصیت او است. کلود شابرول روی رابطه نساعروع چارلز و نامادریش هلن اصلا تاکید نمی کند و بخاطر نشان دادن این رابطه فضلهای متعدد عشق بازی بر اه نمی اندازد بلکه با دو اشاره کوتاه و مختصر (دست چارلز روی شانه هلن بچکا، و دست چارلز در دست هلن جای دیگر) این مهم را بر گزیرا می کند، شاید تنها عیب فیلم استفاده از بلانهای طولانی و بهر هجستن زیاد از دیالوگ باشد، اما بهر حال ده روز اضطراب را با نام اصلی: تنگنفتی ده روزه) فیلمی است بسیار جالب، بیادماندنی و خوب. هوشنگ راستی (آبادان)

دوستان

فقط تماشا کنید

● فیلم دوستان از آغاز تا پایان هدفی است که نمی توان نامش را (لطفا فقط تماشا کنید) گذاشت فیلمی که لوئیس گیلبرت ساخته نمیتواند برای هیچ جامعه ای دارای پیامی باشد. داستان با یک روح ضعیف و پر داختهایی که بیشتر از این روح ضعیف جلوه می کند چیزی جزء ادبای رمانتیک فیلم ساز نیست. گیلبرت شاید در این فکر بود که با اثری بنام دوستان تجربه ای به تماشاگر بیامدهد کما اینکه ما انسانهای این قرن با روش زندگی میکنیم که دیگر به این گونه تجربهها احتیاجی نداریم و این پرداخت تجربه ای فقط بدرد لوئیس گیلبرت ها می خورد. عشقی بین یکسرباز بازنه ساله و یک دختر چهارده ساله و نیم با هیچ معیاری که نمیتواند تشنگی ذهن را بر کند شروع میشود پس از بد رفتن دارد و دختر به تنهایی خودش میماند و گیلبرت آنها را بسوی کلبه ای هدایت می کند که میراث پدر دختر است و زندگی آنها آغاز می گردد. پس کار نمی کند و گروهی شگفتی در نهاد دختر سرشته است. اسبابه از کنار مهاجرت آمواد دریا با شتاب هوارا می شکافتد و پیش میروند و نزدیک به اتمام اینکه دو بچه یک بچه بوجود می آورند و آخر یک پایان که خدا حافظ دنبای بوج لوئیس گیلبرت.

فهاد خسر وزاده (اهواز)

«جبار، سر جوخه فراری»

فیلمی تند و گیرا

● این سوالی است که خانهای بهیلا نرس جواب آن را باید بدهد. بازها حساب شده و خوب است بخصوص بازی چشمگیر فردین که با این فیلم امید موفقیت بیشتری برای خود در سینمای متفاوت و مکتبی تازه در کارهای هنری خویش بوجود می آورد. و دیگر بازی در لارامپوره توسط سید جمالی نوکه امید بیشتری در میان ستارگان خوب هست. و از امتیازات دیگر فیلم موزیک متن جالب انوشیروان روحانی و فیلمبرداری خوب کوشان است. موسی پورسنگری (تویسرکان)

● اما منطقی اینبار یکمک فردین چهره آشنای سینمای خوب فیلمی میسازد رسا و قانع کننده. منطقی را قبلا می شناختم و با کارهای تجاری آن مثل (غلام زاندار) برخورد داشتم و نمی توانم منکر آگاهی او به سینمای متوسط باشم. ولی داستان و ستاروی آن چنان است که درجه متضاد را در مقابل هم قرار میدهد این دو بچه پیش از دو جوخه نیستند که عهده آنها بهیست نفر هم نمی رسد و در آخر همه کشته و فردین بگه و تنها می ماند آبا آزادی خواهان باریک جوخه تمام میشوند و با بلمکس؟

صادق کرده

یک فیلم خوب

● ورود تقوایی به سینما با فیلم رهایی شروع می شود ولی چون آنرا ندیده ایم نمی توانیم راجع به این کارگردان خوب قضاوت کنیم و این کار را به آینده موکول می کنیم. ولی در مورد صادق کرده، فیلمی که با تلخیص شروع می شود و

● همینطور جلو می رود و با احوار به تلخی ختم می شود. تقوایی نتوانسته فیلم را با زمان جلو ببرد و این را بدین خاطر می گویم که فیلم از روی یک داستان حقیقی ساخته شده است و زمان داستان مربوط به ۲۰ سال پیش و یا بیشتر می باشد، و بهتر بود

در فیلم آن کامیونهای استفاده می شد که نمایانگر زمان واقعی داستان باشد و حتی در صحنه های نوشته ای راجع به سیاهان انقلاب چشم می خورد. محتوای داستان تقریباً مانند سایر فیلم های فارسی است ولی تفاوتی آنرا بصورت چالشی در آورده که می تواند بیننده را جلب

کند. بازی هنرمندانه عزت الله انظمی و کتاورز قابل تحسین است و فیلمبرداری یکدست بسر ارزش فیلم می افزاید و کتاورز امیدواریم که فرحت در فیلم های آینده موزیک بهتری ارائه دهد.

محمد رضارائی (اراک)

سر جوخه فراری، جبار فیلمی با نقص اما موفق

این فیلمی است در روال غلام زاندارم و کارهای همیشگی امان منطقی - انعطافی رساله - پیش فیلمهای بابا نانداد و آب - نبات چوبی را دیدیم که اولی یک فیلم تجارتمن موفقی بود که عنوان پر فروش ترین فیلم سال را به خود اختصاص داد و دومی تمام بحث روی مسائل عاطفی خانوادگی بود -

کاربندی امان منطقی جبار است. این فیلم روی هم رفته یک فیلم خوب است ولی نقایص دارد. این نقایص را میتوان به تجارتمندی شدن صحنه های آن از این فیلم نسبت داد.

صحنه های زود خورد و کشت و کشتارهایی که در آن جبار شرکت دارد، بازگشتی است به فیلمهای قدیمی فردین که یک سوهرمن و بز بهادر حرفه ای بود.

ولی گذشته از این فیلمی بود جالب، حوادث آن دوران قاجاریه دور معزز و مسائل را مطرح می کرد که تا زگی نندارد. وطن پرستی عده ای از ایرانیان غرور و ميسارزه باخارجیان و بیگانگان. گنجاندن ادرای مانند



لارنس عربستان

باشرکت پیترو اوفول - الکت گینس ...
شروع: ساعت ۱۱ صبح - ۲-۳-۴-۵-۶-۱۰ بعد از ظهر

بی تا

فیلمی که نمی تواند خوب باشد

● قبل از هر چیز تیتراژ فیلم را باید تیتراژ فیلم رضاموتوری می اندازد. با اولین تفاوت کم موسیقی حیرت انگیز چکنارواریان به آن ویژگی خاصی می بخشد (و تا یادم نرفته باید بگویم که موسیقی عالی چکنارواریان فقط در همین تیتراژ است که به فیلم می خورد).

در اولین پلان فیلم با یک اشتباه کوچک از طرف داریوش مواجه می شویم. بی تا که روی تخت خوابیده و مشغول مطالعه است، بسوی دروین بر می گردد و کتابی را که در دست دارد عمداً بسوی ما میگرداند که ملاحظا بقه میمیرد کتابد گریزان آزادی، را ملاحظه می کند. داریوش چند اشتباه دیگر هم دارد. مثلاً وقتی که بی تا در خانه منتظر ورود کوروش است، داریوش نمی داند حضور افراد را چگونه مسوجه و ملاحظه. همه دور آتش نشسته اند بی تا با بانه بازی می کند. مادرش پولها را می شمارد. خواهرش بافتنی می بافت و شوهرش خواهرش هم چمدول حمل می کند این صحنه بقدری تسمی می نماید که انسان خیال میکند باز یگران دارند ترمین می کنند تا برای فیلمبرداری آماده شوند!

و با صحنه های که دوستان کوروش بدیدندش می آید زیادی است. ناچانی که من خیال کردم جذابترین داریوش با استفاده از راهنمایی های آقای هوشنگ خان کاوسی دارد صحنه های را برای ضیا ثقیان، معصومی و گوگوش توضیح میدهد و آقای بهارلو ندانسته از این محاوره فیلمبرداری کرده است (۱)

از شوخی گذشته انکار کارآکرها در این صحنه به نوبت صحبت می کنند و گفته هایشان هم بقدری کلیشه ای است که تصور پیش می آید که دارنده آن روی نوشته حرفهایشان را بیایمانی کنند. از تسمت های دیگری هم که حذفتان لطمه ای به فیلم نمی زند یکی دزدی گوگوش است که بسیار فرادادی است و دیگری صحنه خواستگاری است (البته به آن صورت شل کن سفت کنی که دیدیم

چند غیر اینصورت بصورت ساده تری لازم بود) در یکی از پلانهای چاپخانه هم، بعد از اینکه بی تا به یک حقیقت (و شاید هم به ظاهر حقیقت) پی میبرد ناگهان سرورسادی اطراف بی تا قطع میشود و او دیگر هیچ چیز را نمی فهمد. می رود توی لاگ خودش و نسبت به همه چیز بی تفاوت میشود. ولی این منظور کاملاً القا نمیشود. واکن به فصل خانه تخلیه شده کوروش توجه کنیم، متوجه چند چیز می شویم. بی تا سابقاً در میان طرف زبانه می اندازد و نمانده مشروب را که به جاماندمی نوشد. اینها تکه های بسیار زیبایی هستند. سابقاً نشانهای پاک است که دور انداخته میشود. و نوشیدن مشروب (برای دختری در شرایط بی تا) اولین قدم بسوی انحطاط است.

ولی ریختن چپس ها و خالی کردن سرن روی آن و همچنین گذاشتن سه بنقاب خالی روی روسری سیاه هر چند که معنی داری بنظر می رسد ولی در خط فیلم نیستند. انکار که داریوش میخواهد منظورش فلان است و بهمان.

آخرین پلان فیلم بسیار زیبا است. وقتی که بی تا با سر براننده اتومبیل جواب مثبت میدهد تصویر فیکس میشود و مافوق تصدی حرکت او را بطرف اتومبیل می شویم. در حقیقت این دیگر بی تا نیست که به مرکز فاشکی می رسد. روح او همچنان پاک و بسی آرایش است.

پدر، خواهر و شوهر خواهد بی تا شخصیتشان خوب نشان داده نمیشود. شوهرش هم که اصولاً بعد از فرار بی تا از خانه فراموش میشود. و از همه مهم تر اینکه هیچ کدام از دلائل فیلم برای فاش شدن بی تا قانع کننده نیست. بنابراین با وجود اینکه بی تا با یک سرور کردن از خیلی فیلمهای فارسی بلندتر است نمی توانسد فیلم خوبی باشد.

تورج زاهدی (ذرفول)

برنامه امشب گروه ممتاز سینماهای:

آسیا - شهوند - رکس - لیدو - نیتون - ژاله - المپیا - پاسارگاد - توسکا
 «و» در ایوین سینماونک

همایون خیالاتی

تألیف و کارگردانی: منوچهر نوذری



سرکوب: نامی تشا، منوچهر نوذری
 پخش از دیاهوند فیلم

رامش پوری بنایی، مرتضی عقیلی
 سرپرستی: حسین فاضلوند

صاحب نظران سینمای فرانسه (بقیه)

«مارینی» فیلم «دش آکل» را دیده بود بطوری به همچنان آمده بود که بی اختیار نظر می داد و می خواست مرتب حرف بزند. او مسایل تازه ای در فیلم های کیمیاپی پیدا کرده بود مثل نقش آب و آتش و نظرات او توجه همه را بخود جلب کرده بود.

درمانجا بود که اوخواست به تنهایی مصاحبه ای با کیمیاپی برای مجله «سینما» ۷۳ بکند. البته او نویسنده ی قسعی از این مجله است که به معرفت سینمای کشورهای مختلف اختصاص دارد. مصاحبه ای که «نورالدین گالی» با کیمیاپی کرد که بازا از طریق من انجام شد - از نقطه نظر و مطرح میکرد، برای ما نازکی داشت.

● اشاره کنید؟

ری پور: البته وقتی که این مصاحبه در مجله «سینما» ۷۳ چاپ شد، ترجمه اش خوانم کردولی من چند مورد را اسم می برم. یکی این بود که گالی در دشت آکل به خطوط منحنی مثل ملاقا، رفها، سردها و حتی کلاه خبلی توجه پیدا کرده بود. و سعی داشت که در دشت آکل، خطوط مستقیم خیلی کم هستند و همه ی خطها سرش دارند و این را ناشی از همان عرفان ایرانی می دانست. از این گذشته در بایان نکته یی برده بود که در سیاهی های که در فیلم هست، همیشه نقطه های سفید روشنی چشم مورد که کبکتر است جایی ایجاد میکند. و دیگر آب و آتش و خاک بود که می گفت در همه ی فیلم های ایرانی نقش داشته اند. او نقش حیوان را در فیلم های کیمیاپی مهم تشخیص داده بود.

مثلا طوطی فیلم دشت آکل که دشت آکل حرفهایش را به او میزد. و در پرندگی فیلم با آنها تمام می شد و بعد در بلوچ، شری که از روی خط آهن رد میشود و بعد گوساله ای که با بلوچ سوارموتور می شود و غیره ... بهر حال بعدا مصاحبه را بطور کامل خواهم دیده.

● بود؟

ری پور: مصاحبه ای دیگر را نماینده ی مجله «ایمازاسون» که «نوریرسوت» معنی میدهد با ما کرد.

نویسنده ی این مجله، که یک نشریه ی دست چپ فرانسوی است، شدیدا تحت تاثیر فیلم «دشت آکل» قرار گرفته بود... این مصاحبه و همینطور مصاحبه های قبلی برای منتقدین از نظر مطالبی که از کیمیاپی می شنیدند، یعنی حرفهایی که کیمیاپی در جواب آنها می گفت، کاملا غیر منظره بود...

آنها وقتی که حتی یک سؤال سطحی را مطرح میکردند از کیمیاپی جوابهایی می شنیدند که سخت تعجب میکردند... مثلا وقتی که راجع به تصوف و عرفان صحبت میشد، کیمیاپی جواب می داد بسیار آگاهانه و عمیق که حاکی از مطالعه ی زیاد او بود.

این حرفهای جالب و تازه، فقط جواب ندادند آنها می دانند که آنگاه با دنیای تازه یی از عرفان و تصوف رو بر سر دارند.

همین مجله «ایمازاسون» با وجود اینکه، یک مجله ی جدی است اولین سؤالی که کرد این بود که کارگردان مورد علاقه شما کیست؟ یعنی یک سؤال کلیشه ای و بیش یا افتاده، که توقع داشتیم نویسنده ی آن مجله چنین سؤالی را مطرح کند ولی رفته رفته جوابها بجای رسید که خود مصاحبه کننده از در یافت پاسخها به همچنان آمده بود و حتی می شود گفت که حیرت زده شده بود...

از این دو مصاحبه که بگذریم با رادیو تلویزیون فرانسه هم چند مصاحبه دسته جمعی شد...

در این مصاحبه ها بیشتر جلال مقدم مطالبی برای گفتن داشت با جلال مقدم هر یکی دو بار به تنهایی مصاحبه کردند... همان نظریه که در مورد کیمیاپی گفتیم، در مورد جلال مقدم هم باید تکرار بدهم که او هم در جواب دادن بسؤالات منتقدین باعث حیرت میشد و بطوری مسایل را

عمیق و خوب جلاسی می کرد، که عده یی مات شده بودند.

او حتی در جواب انتقاداتی که میشد، جوابهایی میداد که مصاحبه کننده گان دیگر حرفی برای گفتن پیدا نداشتند...

● فیلم «داریوش همر - جونی، برای منتقدین چطور بود؟

ری پور: آنها فیلم گاو را قیلا دیده بودند. البته می دانند که چند سال است این فیلم در اروپا نشان داده شده و صاحب نظران همه ی حرفهایشان را زده اند... ولی البته وجود انتظامی - که نقش مردی را بازی میکرد که دیوانه میشد در همان اکوپ ایرانی، برای آنها جالب بود و بازیگ نوع یی یادآوری بود از فیلم گاو و بازی در خشان انتظامی...

چون در مصاحبه ها و در مهمانی ها و مجالس معارفه همه آنها که فیلم گاو را دیده بودند، با دیدن انتظامی تجدید خاطره می کردند و اغلب به انتظامی برای بازی خوشی تریک می گفتند... خود هر جویی هم که به فرانسه آمده بود...

بسته یی جزو برنامه ی هفته فیلم نبود. این فیلم فرار است که یائین آیتنه درباریس توزیع شود. البته این احتمال برای فیلمش آکل هست.

فیلم بدی «هائو» بود که هفته ی فیلم با آن تمام شد و بعد آن همه ی اعضاء هیئت ایرانی جلوی پرده رفتند و به تماشاچیان معرفی شدند. حاضری بخصوص برای نصیران و خوردوش که در فیلم هالو بازی کرده بودند، زیاد ابراز احساسات کردند و مورد تشویقشان قرار دادند... در پرده رفته این هفته ی فیلم حتی از نظر تعداد تماشاچی و با مطالبی که در نشریات و رادیو تلویزیون فرانسه منمکس شد، موفقیت آمیزترین اقدامی بود که برای سینمای ایران در خارج از کشور انجام شد... تقریبا تمام نشریات و نشریه راجع به این هفته ی فیلم مطالبی نوشتند و غالباً کشف یک سینمای خوب قابل توجه را که تا آن لحظه از نظر آنها مخفی مانده بود، مطرح می کردند...

چون می دانم که آنها نسبت به سینمای کشورهای خارومیا نه با دیدن دیگری نگاه می کردند و هنوز نگاه می کنند و با این سابقه ی ذهنی، آنها ترقیاتی که فیلم های ایرانی را دیده اند به شدت شوکه شدند. چون برای آنها سینمای خوب و متعلق به کشورهای خاص و یا آدم های شناخته شده بود و تصورش را هم نمی کردند که در یک هفته تعداد زیادی فیلم خوب با ارزش آنها را کاملاً محاسره کند.

● با بقیه ی فیلم های دیگر، تیلی و آرمش در حضور یکران، چطور رو رو شدند؟

ری پور: من شخصا از زبان منتقدین راجع به این سه فیلم حرف بخصوصی نشنیدم... در عین حال که راجع به هیچ کدام از این فیلمها نظر مخالفی هم گفته نمی شد، چون بطور کلی همه ی نوشته ها و حرفها در تأیید و ستایش سینمای جوان ایران بود و طبعاً این حرفها شامل همه ی فیلم نوزمی شد... شاید هم چون کارگردان های این سه فیلم حضور نداشتند، راجع به آنها حرفی بخصوصی نمی زدند. این سبک آکر می داشتند و با آنها هم مصاحبه می شد موفقیت هایی بدست می آوردند.

دیگر اینکه شب قبل از افتتاح هفته ی فیلم «شهر قه» منوچهرانور در سینما تک نمایش داده شد.

این فیلم، نیز نویسی نداشت و یک نفر پشت میگردن دیالوگها را می خواند و ترجمه می کرد. و البته ترجمه اش برای کامل و رسایی هم نبود. **● مثل اینکه فرخ غفاری؟** **ری پور:** فیلم «زیلر بولرگ» به فرانسه ندادند؟

ری پور: اینطور که خود فرخ غفاری می گفت، فیلم برای شرکت در دستوال کار به فرانسه برده است و چون شرایط شرکت یک فیلم در دستوال کار نیست که فیلم قیلا نباید در جای دیگری نشان داده شود او قصد داشت که اجازه ی نمایش بگوید ولی گویا تا آخرین لحظه ها موفق به کسب اجازه نشد.

در شماره آیتنه تمام میشود

پاسخ سر دبیر



تهران آقای ابراهیم لامعی:

۱- زمان اجرای جوایز سیاستمدارهایی که راجع به این جوایز نوشته ایم میباید دید پیدا کنند.

۲- سناریست و کارگردان فیلم «روزی که ماهیها میامیرند» میخائیل کاکوبایس است و هنرپیشگان آن کندیس پریمی و تام کورتنی هستند.

تهران آقای مصطفی - قریبی:

۱- والدندینی فوت کرده است... نام کلیه آثار او را در شماره های گذشته مجله می توانید پیدا کنید.

۲- لیست جوایز ما به معنویلاچندین هفته اعتبار دارد.

۳- ساعت هایی که جایزه ما به بهترین است از آخرین مدل های ساعت های روز است.

تهران آقای حسن امیربوز:

۱- برای صفحات شوخی و تریبون آزاد به دفتر مجله نامه بنویسید.

۲- فیلم های مشترک بیروز و تونی و فرودان الاخوان بر آسمان نوشته - نتگازیا - نوشته - لذت گناه - هاشم خان و تعداد دیگری.

مها باو آقای حسین نعمت شمیری:

۱- محمدرضا رفیعی در حال حاضر در فیلم های بازی نمیکنند، برای ایشان می توانید به نشانی ستدیکای هنرمندان نامه بنویسید البته باقی نام پدران، جناب شکرالله خان رفیعی و بعد هم مطمئن باشید که محمدرضا رفیعی نامه را دریافت خواهد کرد.

۲- عکس از سعید اراد چاپ شد اما سنجو کنار هم فلافلین.

تبریز آقای علیرضا جوادلی فام:

لطف کرده اید و نظریات کامل خود را درباره شماره ممتاز مجله جهت ما نوشته اید که از این جهت فوق العاده سپاسگزاریم و اگر دوستان دیگر ما نیز همین روش شما را بکار میبندند مسلماً نتایج

نیکوئی بنیست می آمد و اما پاسخ سوالات سرکار:

۱- برای «بیروز و تونی» و سایر هنرمندان مورد نظرتان بدلفات نوشته ایم به نشانی ستدیکای هنرمندان میباید نامه ای بنویسید.

۲- ما فیلم «پلی» را نسبت به فیلم دیگر مورد نظر شما بیشتر می پسندیم چرا که اگر موضوع آن قدرها گسترده نبود ولی بهرحال در بیان موضوع مفیدش، موقتیشتر است.

اصفهان آقای عباسعلی محبوب:

از جوانان حالی هستند که زیاد برای فیلم و هنر نامه می نویسند و البته انتظار دارند که بهمه آنها پاسخ داده شود که قطعاً خود ایشان مطلع هستید این امر نیست چون تعداد کانی که برای ما نامه می نویسند، بسیار زیاد هستند و باستی آنها پاسخ داده شود و بعلاوه این جنبه در نامه های که می نویسند، یعنی از سوالات عجیب و غریب نظیر سئوالاتی که در شماره نوروزی اشاره کردم فرضاد نامه آرخشان با یک هفته چینی در باره این قلمزنی (یعنی پاسخگو) چنین نوشته اند:

میدانم که ستوانی را که از شما میخواهم جواب دادش خیلی مشکل است ولی باورکن من آخرین هدفم همیشه تو دانستم و آن سوالاتی است که چندوقت پیش خودم یکسال و نیم پیش یکی از فیلم های سینمایی تلویزیون فیلمی بود چنتی با شرکت استیفن بوید کسر دست یک عده سر باز بودی یکی از سر بازها بهر بازیهای کهنه ان هنر پیشه سرزمین جابجایی بود خصومت بیوز زد و سرا تمام

این گروه با اینکه ماوریت خود را با موفقیت انجام دادند ولی دستمزدی جز بیگیری و بی محبتی از طرف مقامات ندیدند میخواستیم ببینیم اگر شما متخصبات واسم آن فیلم یادگان هر بی است من بنویسید همچنین آن فیلم سینمایی که چندوقت پیش از همین تلویزیون نشان دادند و تونی کورتنی و کیمبرل ترولند در آن همبازی بودند اسم و مشخصات آنرا بنویسید.

شما تصورش بر ما کنید. پاسخگو باید چه حافظه و یا بقول دوست عزیزمان عباسعلی محبوب داشته باشد که بتواند سؤال ایشان را جواب بدهد که ما آن حافظه را داریم یونه آن آرزو و راستش برای این جور چیزها لازم هم نیست داشته باشیم!

انالله آقای محبوب به این مورد توجه میکنند که پاسخ سئوالات ایشان لاف برای آقایین قابل استفاده باشد:

تبریز آقای علیرضا جوادلی فام:

۱- نمایش فیلم خاک خاک (محصول استودیو میناقی) تقریباً (محصول سینما تانرکس) در سزون خواهد بود.

۲- بیکار با این سئوال بازی صیریان در بستن وقتی زاده در گرگار کدام بهتر بود پاسخ داده ایم و لزومی بنگار آن نیبیینم امیدوارم با توضیحی که در شماره نوروز داده شده توجه داشته باشید.

شیراز آقای سیروس کاسی:

شماره های سال ۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ در آرشو موجود نیست

ولی شماره های آن سال های ۱۳۴۳ در آرشو هست که میباید اطلاع بدهید دقیقاً کدام شماره را میخواهید تا با مکاتبه بشما خبر بدهند که چه ترتیبی تماس بگیرید و مجلات

بازار

● خریدار موزیک متن فیلم تیلی هستم و هرگونه منارچی را قبول دارم.

● گرگان - کوی رضا پهلوی - خیابان بابک پلاک ۵۶ - قدرت طوطی

● بگ عدد دور بین سوپر هشت با قیمت مناسب خریدارم.

● بروجرد - خیابان - شاهپور دبیرستان

● مهرگان کلاس چهارم - عباس - یاراحمدی

● خریدار یک عدد - بیروز متدی - یک عدد دور بین فیلم رازی و مقداری نگا تیغ ۱۶ میلی متر می هستم

● تهران - خیابان قزوین - خیابان تیموری - کوی قدیمی پلاک ۵۹ - حسین قدیمی

● عکسهای هنرمندان سینما و تلویزیون را طور اربیکان به ما تقدیم نشان تقدیم می کنیم.

● شهرری - خیابان ۴۴ خیابان آندیسیم پلاک ۶ - سعید خاکدوست

را دریافت کنید.
شهنا آقای حمید معینی
دریاری:
ایشان قدر دار محله فیلم
و هنر هستند و ساد نشوری
نوشته اند که مسال است هر
هفته فیلم هنر می خرید و بعد
اضافه کرده اند «آخه داداش
این چه وضع پاسخ دادن بنامه هاست
من تا بحال سه نامه فرستادم
ولی شما جواب نداده اید!» البته
ایشان در نامه بدون تاریخشان
سئوالی طرح نکرده اند که پاسخ
ما باین دوست عزیز ایست:
برادر در نامه های دیگر تان
چون سئوالی مطرح نکرده اید
پاسخی دریافت نکرده اید
بعلاوه نامه ای جواب داده
نیست چون غالب سئوالات
تکرار است.

تهران آقای علی حدادی:
۱- در دختر شاه بران
و آسون بی ستاره بجای منوچهر
و تونی، مقلتی صحبت کرده
است.

۲- در دختر کدخدای
منوچهر و تونی و فریا خانمی
باز داشتند.

۳- فرین، بیروز و تونی
و منوچهر و تونی چون تا بحال
پیش نیامده بسر ابره خاطر
نشده اند بعد نیست که در فیلمهای
آینده آنها را با هم در فیلمی
بنییند.

فیر وزه گفت : من خاکمی هستم! - جراید

شوخی، شوخی

اخبار هنری باتفسیر



**زن و شوهر - فلان فلان شده این چیه -
رو ششت ؟
شوهر - واله چیزی نیست، خاکمی شده!**

● بدنبال مسئله «گوشت» دز تهران و کمبود آن در مقابل «سیاه‌بهار» و بهنگام ورود انواع «گوشت» های خارجی به ایران با خبر شدیم که خانم «روح‌پرور» خواننده پرور و چاق‌پولچه مردم کوچه و بازار در بازارچه مورد سوء قصد آقا ر گرفته و «کاردی» شده است.

بطوریکه جراید گزارش داده‌اند، اگر روح‌پرور چاق نبود سربه چاقو باعث میشد که قلبش

سرحال و لرزان و صاف و لطمه‌مواجه می‌شود، اختیار خود را از دست میدهد و مصروعانه بالای‌سز رفته ... گروه تحقیق ما می‌گوید این عارضه در میان سایر مردم کم‌بیش رواج دارد بنابراین حدس زده می‌شود که احتمالاً برای خانمهای «هایده» و «سامانتا» (شهناز تهرانی) و «تریا بهشتی» و «فهروزه» و سایر ستارگان سنکین وزن آن‌جمله «هایون» و «قوجملی» خطراتی این‌چنین در پیش است لذا از طرف ما به آن‌ها توصیه می‌شود که سعی نمایند کمتر در مجامع عمومی بطور تظاهر شوند.

● خانم «ارغوان» هفته گذشته از طریق جراید عصر تهران آمدادی خود را برای «دب» شدن در سینما اعلام نمود و گفت حاضر است مقامی چون «چین فوندا» داشته باشد میان آمدادی و پیشنها در اقبال تنگ می‌گیریم و توجه فیلمسازان موج نو و کهنه را با آن جلب می‌نمائیم.

● بدنبال مسئله رکود در سینمای فارسی خانم «پونه» خواننده گرامی رادیو تلویزیون آمدادی خود را برای هر نوع فداکاری جهت نجات سینمای ما از این بحران اعلام داشته است و تأکید نموده که اگر لازم باشد حاضر است برای آن لخت شود و نقشهای سسکی را بسایب برداشتی هر چه تمامتر بازی نماید.

ستارگان سینما از

نظر تماشاچی سینما

- ژاله‌سام : فیلمهای موج نو
- پوری بنائی : اجتماعی - تربیتی
- دلارام : سانور شده
- هایده : سینما سکوب چهار ساعت
- ایرن : تاریخی
- شهرزاد : وسترن
- گوگوش : موزیکال
- فروزان : کمتر از ۱۸ سال ممنوع
- رامش : کمدی - موزیکال
- نایا : توقیف شده
- روح‌پرور : جنائی
- یلوسی
- ارغوان : سسکی
- خورشید : هنری
- شهناز تهرانی : سنکین
- چها تکبیر یار ساخو :
- فیلمهای کوتاه
- کنایون : تکراری

تک مضراب

کندو کاو مطبوعات

ستاره سینما : فروزان
عاشقان سینه چاک بسپاری دارد!
- ماراه به حساب آوردید؟
تهران‌نصور : عاشقی کره به
قتل «روح‌پرور» بسته است!
- باین می‌گویند عاشق واقعی و صادق!
با فونان : رامش یا مهستی کدامیک محبوبترند؟
- هر کدام که سسکی‌تر باشد!

جوانان : چرا «رامش» اصراری در پوشیدن لباس یقه‌باز دارد؟
- برای اینکه دختر دست و لباز و سخاوتمندی است!
سپیدوسپاه : چرا «گلوریا» روحانی» گریه کرد؟
- از دست «هایده» که بدون اجازه یکی از ترانه هایش را داشت میخواند!

اطلاعات هفتگی : این رفاهه ایرانی! از دست مارلون براندو کشتک خورد!
- چه سعادتی و چه افتخاری بالاتر از این!

کنایون : من زنی کم رو، رک‌گو، زبرک، خوش برخورد، خانه‌دار و عاشق هنر هستم
● مطمئنید که چیزی از فلام نیفتاده!
گوروس : بسایک تصادف خواننده شدم
● چه تصادف بی‌خبر و برکتی!
فردین : ممکن است سینمای ایران گورخودش را خودش بکند!
● مایی تقصیریم، این حرف را از در پیچه چشم ما نیتید!
ملوسک : در زمینه سسک بی‌بروا خواهیم بود!
● پس مطمئن باش که از جوانیت خیر می‌بینی دختر!
فردین فرخ‌زاد : خودم از قر و اداهای خودم خنده‌ام می‌کورد
● شکسته نفسی می‌فرمائید!
هاروش : من برادر کوچکتر از خودم دارم که هنوز به دبیرستان نرفته است
● آیا تصمیم ندارید که از را وارد عالم هنر کنید!



حساس و خطر ناک میگذردیم. حوادثی که باید پرس جوانی که این مهاجرت را می پذیرد بپایند.

در «کیفر» خشونت، عامل بزرگ اصلی زندگی آمده در زمینه‌های اثر اسم فولکلوریک آورده است، مدتی خوشبختی با فرهنگ «غیاثی» در آمیخته شده و طی آن بر خورد سنت‌های شرق و غرب مطرح می‌شود.

«غیاثی» با وجودیکه در کارگردانی فیلم نخستش با خیلی از مسائل پیش بینی نشده روبرو شد، که مقادیر زیادی انرژی وی مصرف از بین بردن آنها کردید، ولی «غیاثی» با فراست و دقت همه موانع را از بین برد، بدون اینکه این سدها برای کار او توقفی پیش آورد و با خیلی درمسیں کاروی بوجود آورد.



شرح عکس‌ها بر تیب:

● تیبی رختاری بپوشیدن و تیبی قیاسگر نقش‌های اصلی فیلم «کیفر».

● مرجان در صحنه‌ای از فیلم «کیفر».

● فرشته چنایی به نقش دختری که همیشه میشود با تاقی اسکندری در صحنه دیگری از «کیفر».



بهر حال «کیفر» تا چند هفته دیگر بروی پرده خواهد آمد و ما آنچه را که «عبدالله غیاثی» در مقام یک فیلمساز جوان و مستعد صورت داده، شاهد خواهیم شد، منتها پیش از این برای شناسائی بیشتر شما با این فیلم حالا که طرح فیلم را در اختیار دارید، درباره کمی جزئیات آن صحبت می‌کنیم.

ماجرای درنقش‌چستجو و پیکری ینگ راننده آمبولانس نامش کش می‌گذرد که این محور ماجراست و در این جستجو راننده برادر هم‌اش که نقش را «بهمن مفیده» بازی می‌کند و یافتن «مختار» نیز نقش راننده آمبولانس را ایفاء می‌نماید و در کنار این دو هنرمند اینها بازی دارند.

«مرجان» نقش دختر مورد علاقه «تقی مختار» را بازی می‌کند و عشقی که این دو بهم دارند، قربانی جستجویی میشود که دو برادر برای یافتن «مختار» نشان که «میبی» شده است، دنبال می‌کنند.

«فرشته چنایی» نقش خواهر آنها را بازی می‌کند که از خانه نشان با جادرمی گریز و زندگی بی‌سملکه می‌یابد.

«ژاله» هنرمند سابقه‌ناز، سینما و رادیو تجدد بازیگر خوب و مستعد ددو نقش حساس ظاهر می‌شوند و بیژن اینها اسکندری - کامران فرهنگ - فریدون - مهتری و ودایان - علی زندی و متوجه احمدی نیز در فیلم بازی

اواخر در فیلم‌هایی چون «تنگنا» و «صبح روز چهارم» دیدیم. برای فیلم «کیفر» با یک موزیک متن ساخته و «فریدون فروغی» خواننده جوان و موفق روز آهنگ اصلی فیلم را خوانده است (آهنگ این ترانه را با یک ساخته و «مسعود امینی» روی آن شعر گذاشته است).

● «کیفر» رانا چندی دیگر در بزرگترین سینماهای تهران و شهرستان‌ها خواهد پدید.

می‌کنند.

در این فیلم چهره نازهای معرفی می‌شود که سوابق درخشانی در تئاتر دارد این هنرمند «ولی شیراندازی» نام دارد (وی برادر بزرگتر یداله شیر اندازی است) تهیه کننده این فیلم «تولید فیلم» و توزیع آن را «سازمان سینمایی پیام» به عهده گرفته است.

فیلمبردار نخستین تجربه کارگردانی «عبدالله غیاثی» موسوم به «کیفر» جمشیدالوندی است که کار درخشانش را این

دوست یابی

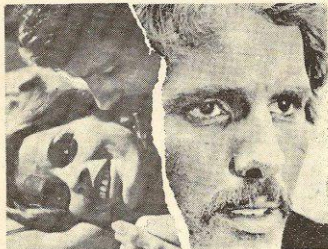
فقط در :

سینما پارامونت

در تلاطم روزهای پرفروش جنگ و در میان
صفر گوشخراش گلوله‌ها، غنچه عشقی بزرگ و
ملکوتی شکوفاشده... و حماسه جاویدان عشق رنگ
ورنق تازه‌ای گرفت...

جولیانو جها - نتا برگر

در فیلم رنگی



سرگردانگی

گیشه سینما پارامونت همه روزه بلیط زرزمیکند

- مايلم بنا خواهران و برادران هموطنم مکتبه کتب گيلان- کوچه صفهان- خيابان بوعلی سینا- ر فروشي علی نیروئی- گلرخ سمیع زاده
- با علاقه‌مندان سرسخت ایرج قادری حاضر مکتبه هستم.
- تهران- مجیدیه- ۱۶ متری دوم- خيابان آبادی- پلاک ۹۶ علی بابا احمد زاده
- با خواهران هموطنم که علاقه‌مند به خوانندگی باشند حاضر مکتبه هستم
- اصفهان - صندوق پستی ۵۰۹ - افشین خوشکام
- با خوانندگان دانشی فیلم و هنر حاضر مکتبه‌ام.
- تهران - شوش شرقی - خيابان شهپر - چهارراه هاشمی شماره ۷۷- میثا ایمانی
- با علاقه‌مندان فردین - ایرج قادری- پوری بنائی و صدای هستی- عهده- گلیا حاضر مکتبه‌ام
- شهری - کوچه نظر آباد - پست مسجده - پلاک ۵۱ - ابراهیم صدیقی
- با طرفداران مرد هزار چهره سینما بیک ایما نوردی حاضر مکتبه‌ام.
- تهران- خيابان قله مرغی- کوچه ۳۶- پلاک ۳۴- رحمت الله قربانی
- با طرفداران ملک مطیعی بهروز توفی- بهمن مفید- گوگوش و رامش حاضر مکتبه‌ام
- اصفهان - محله نوخوجو- کوی ملکشا - کوی شهرضا- پلاک ۷۷ - حسن کریمی
- با دختران و پسران علاقه‌مند بهروز توفی - گوگوش حاضر مکتبه‌ام .
- قزوین- خيابان تهران قدیم کوی زحیمی- پلاک ۱۴ - عیسی زندی
- مايلم با يك فيلمبردار آما توره مکتبه دوستی داشته باشم. کاشان- مسافرخانه گلچهرگان رضالمی
- با دوستداران صدای راشین - عهده حاضر مکتبه‌ام
- اصفهان- صندوق پستی ۲۵۶ مرکز آموزش کشاورزی اصفهان حسین شماعی
- نماز با اطلاعاتی در مورد سناریو نویسی- گلگردانی - فیلمبرداری دارم .
- قزوین - خيابان راه آهن دبیرستان بیوک گنجی - کلاس چهارم طبیعی- محمد علی حاج آبروی
- با دوستداران صدای گوگوش - فروشی - عارف - مهریویا و فیلمهای هندی حاضر مکتبه‌ام .
- اردبیل- عنبران - مسعود عزیزیان
- با دوستداران سو فیازان ایرج قادری - ایرن حاضر مکتبه‌ام .
- همدان - خيابان بوعلی - کوی پست و تلگراف - پلاک ۴۸ صادق قطنیان
- حاضر مکتبه با دختران و پسرانیکه در دستار گوگوش - عارف - ملک مطیعی هستند . می باشم
- کرمان - خيابان فردوسی کوی وحشی باقی - پلاک ۱۰ منصور فرزاد
- با خواهران و برادران دوستدار سمیرا - بهروز توفی مختار - تونی کریمی حاضر مکتبه‌ام .
- تهران- میدان تراب- خيابان کاه شرقی - کوی رضوان - پلاک ۱۵ - منزل اکبریان
- با دوستداران آلردلون چارلز برنسون- بیک ایما نوردی حاضر مکتبه‌ام.
- لاهیجان- خيابان اسکندر آباد - بازارچه امیر شهید - دبیرستان ایرانشهر- کلاس سوم حسن محمودی
- با علاقه‌مندان تهیه فیلمهای ۱۶ یا ۸ میلیمتری حاضر مکتبه‌ام
- تهران - مدرسه عالی تلویزیون و سینما - سال اول تولید - فرهاد طاقانی

سینه‌ها امپایر

مادام کاملیا ۲۰۰۰

پاتا ورتن وزگی



"camille 2000"



باشرکت : دانیل گوبر ، نینوکاتل نو و
الئو تورا روسی در اگو

خشونت بر ای خشونت (بقیه)

در کار فیلمسازی تا عملادر خود کارنباشی مشکلاتش را درک نمی کنی . و من درک کردم و سعی میکنم که در فیلم های آیندهام راه دیگری را انتخاب کنم ...
● این قصد را داری که با تم های مشابه در آینده فیلم بسازی ؟

غیبایی : تم اصلی من همان تم خشونت و عاطفه است . منتها در آینده شدیدتر خواهد بود و با قصه های دیگر .
● موفق باشی تمام

از يك سری برخورد های خطرناك بگذرد و عادت ثانوی بشود ...
● کیفتر از نظر تجربی چه حسنی برایت داشت ؟
غیبایی : من با خیلی از مسایل پیش بینی نشده روبرو شدم . یکی قهرمانی فیلم بود . و دیگری ناهاهنك بودن آدم های فیلم و رقابت های حرفه ای . من بیشتر انرژی صرف قهر و آشتی دادن آدم ها شد . ما مشکلاتی داشتیم که به کار لطمه میسازد ولی بهر حال صرف نظر از مشکلاتی که داشته ام راه را برای من هموار کرد .

تفارق تجارت (بقیه)

پس هنرمند برای فتح آثارش که بنوعی نه ای جز او ندارد میتواند تعامل مادی را مستحکمان بیان آنچه را که مورد نظرش میباشد قرار دهد)
بغیقه بنده ضربه محکمی که اینگونه به روش غیر مستقیم (طرح مسائل) در ذهن تماشاگر وارد میکند (بیان واقعیت از راه غیر واقعی اش) شاید موجب تغییر اساسی همین میانسی را کند که فایده یافت هنرمند بوده گردد و عامل منفعه در جریان این تغییر ماهیت هم در حقیقت بیان زیرکانه هنری او بوده است .
و این مسئله ای است که متأسفانه هنرمندان ما هنوز قادر به ترکیب این دو رایسه (استقرار سازی فقط بعنوان حرکت بیان و واقعیات اجتماعی) در هنر شان نشده اند .

نقد و منتقد... (بقیه)

کلمت اثری که لاجرم هسته تفکری را بر دوش دارد. هنوز دارای آن اسالت و نجات سیتمائی است در این گروه خشن» مثل آثار خالص و ممتاز «پسکون پسا» سونمای «لحظه» هاست لحظه هائی که حتی پس از عبور از صافی تفکر و منطق شکر فزاینده و قابل تمغظ نظر میرسد. همینطور لایشر و بدون دخالت عقل، گوشه از اثر بر ای خود جای باز کرده اند در این گروه خشن «لحظه» سیتماست و لحظه تفکر است این گروه خشن ترجمه سیتمائی لحظه هاست ...

ویسکو نتقی (بقیه)

نشانی خود را بدین سان خلق کند؟ این کار بدون کمک های مالی «لودویک» هرگز امکان پذیر نبود. «حلموت برگر» در این مورد میگوید :
«من معتقد باین امر نیستم که رابطه آن دو ، یک رابطه جنسجالی، آنطور که روزنامه نگاران در این مورد چیز هائی خارج از نفرت داشتند. بوده باشد. (واکنزیک آلمانی، پروس و دیسن پروستان. ادشت) بین آنها فقط یک دوستی استوار و عظیم برقرار بود»
بقیه در صفحه مقابل

در زمینه هنر و ارزش های آن . لودویک از آدم های ژمان خود جلوتر گام بر میداشت. لودویک ، سلطان باواریا مردی هنرمند پرور بود در باره مقرر اجتماع هنرمندان و نمایشگران عصرش بود. از جمله او بزرگترین دوست دار موسوق «ریشارد واگنر» موسیقیدان برجسته عصر خودش بود .
این لودویک بود که با کمک های مالی و معنوی خود ، واگنر را هر دم به آفریدن شاهکارهای موسیقی، زهدمون موساخت و مروجیات آسایش خاطر او را فراهم میکرد . راستی اگر «لودویک» نبود «واگنر» چگونه می توانست اهرام های فراموش

مسابقه جدید و ابتکاری

برنامه آینده گروه سینماهای :

نامها و فیلمها

۴۰ هماغونه که برایتان در اولین شماره سالنامه نوشتیم ما بعث دریافت مسابقات ابتکاری زیاده ، هرما بقیه نازه را بیش از چهار شماره ادامه نتواییم داد س تاوانیم از همه طرح های دریافتی استفاده کنیم و با آنکه طرحهای مسابقه متعددی برای این صفحه دریافت کرده ایم معینا از همه خوانندگان خود میخواستیم در صورتیکه طرحهای تازه ای برای ما تدارک دیده اند ارسال دارند تا بنام خودشان چاپ شود.

اما بقیه نازمه ها که نامها و فیلمها نام دارد بدین قرار است که هر هفته ما نام یک هنر پیشه سینمای ایران را چاپ می کنیم ، شما بایستی درازای هر حرف که نام هنرمند را تشکیل میدهد ، حداقل نام دو فیلم را که با آن حرف شروع می شود برای ما بنویسید بعنوان مثال اگر نام هنر پیشه و سعید پوراد باشد شما بایستی حداقل دو فیلم که با حرف «س» شروع شود و دو فیلم که با حرف «د» شروع شود آلی آخری را کما بنویسید .

ما هر هفته به ۱۵ هزار شرکت کنندگان در این مسابقه جایزه خواهیم داد ، پاسخهای خود را همراه با یکریال تمییر باطل ندهد برای ما بآدرس صندوق پستی ۱۹۶۷ ارسال دارید .

اینک نام هنر پیشه هفته دوم

تقی مختار

نیا گارا - اروپا -
میامی - الوند -
کیهان - مارلیک -
اورانوس - گلدیس -
آسمان آبی - سیلوانا -
سیلور سیتی (قلهک)

حرفهائی با دوستان این صفحه

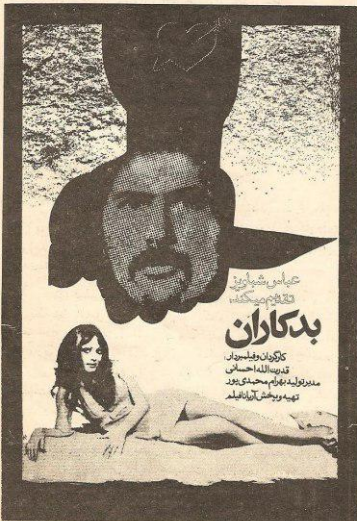
در طی مدت دوسالی که عهد و ادب تنظیم صفحه مسابقات فیلم ذهن شد ما کوشیده ام که مسابقاتی طرح کرده ام که بتواند در عین حال که معلومات سینمایی علاقمندان این صفحه را افزایش دهد ، بتواند مدتی آنان را بشفقت وادارد .

در طی این مدت پیش از یکصد جدول از خوانندگان خوبمان در این صفحه چاپ و سعی شده که از مسابقات ابتکاری آنان که برای ما ارسال گردیده استفاده کنیم تردید نیست که طرح جدول سینمایی مقداری سخت است اما عده ای که علاقمند این صفحه هستند ، نظر داده اند که چه بهتر که جدولها بطور آفتی و عمودی نبوده و بصورت عمودی واقعی طرح گردد ، لذا از همه دوستان خود که برای ما جدول ارسال میدارند میخواستیم که از این پس سعی کنند در طرح جدولها وقت زیادی را اختصاص داده و طرحهای خود را بطور عمودی واقعی برای ما بفرستند که البته اگر جدولها ابتکاری باشد بهتر است .

ما در این شماره نام برنده ای را اعلام نکرده ایم ، اما در شماره آینده نام برندگان مسابقه فیلمهای وارثی و شماره نوزاد را اعلام خواهیم داشت .

از دوستان خود میخواهم اگر برای صفحه مسابقات از ارسال میدارند حتماً روی آن جمله (صفحه مسابقات) را قوی نماید و اگر پاسخ مسابقات را برای ما میفرستند حتماً در بر نامه خود یکریال تمییر باطل نشده قرار دهند .

شهاب



بدکاران

کارکنان و فیلمسازان
قدیمی الله حسینی
مدیر تولید بهنام حسینی بود
تیمه و بخش تولید



گزارش فیلم

پولانسکی در قلمرو شکسپیر

مکبث

Macheth

شناسنامه فیلم

کارگردان : رومن پولانسکی - نویسندگان فیلمنامه : رومن پولانسکی و کنت تانان براساس نمایشنامه تراژدی مکبث ویلیام شکسپیر
مدیر فیلمبرداری : گلبورت تیلور - موسیقی : آلبرت کامپانتانو -
موزیک متن اثر گروه : Third Ear - تراژدی Third Ear تهیه کننده : آندرو براونز بیک - محصول سال ۱۹۷۱ کمپانی فیلمسازی «پلی بوی» (انگلستان) -
طول زمانی نمایش فیلم : ۱۳۵ دقیقه .

بازیگران فیلم :

جان فینچ (مکبث) ، فرانسیسک آئیس (لیدی مکبث) ، مارینشا (بانگو)
نیکلاس بلی (دانکن) ، جان استراید (راس) ، استفن جیس (ماتکوم) ، ترنس
بیلر (مکداف) ، بلاشلی (دونالین) ، آندرو لارنس (تانس) ، دایان فلیچر
(لیدی مکداف)

● فیلم کردن تراژدی مکبث توسط رومن پولانسکی، گرچه از نقطه نظر تمایلی وی به فیلم کردن یک نمایشنامه دست‌آوردی شده - که قبلاً چندین بار فیلم شده است - ممکن است حیرت‌انگیز و، اما از سوی دیگر با اعتنا به آنکه تراژدی مکبث به پهلیدی روح آمده‌ها و به اهریمن سختی آنها اشاراتی صریح و گزنده دارد ، فیلم کردن این نمایشنامه توسط پولانسکی جائی برای تعجب باقی نمی‌گذارد ، چرا که عبران کردن نیاهای سرشت آدمی و شهادت برحضور اهریمن - وحشی مادی کردن وجود شیطان - تم همیشگی فیلمهای پولانسکی بوده است ، و چنین تمی در میان آثار شکسپیر، بهترین و آثوری ترین نیلورش را در « مکبث » دارد - در واقع بین همه نمایشنامه‌های شکسپیر ، تنها «مکبث» است که می‌تواند بهترین توافق سازگاری را با «خط فکر» شخصی پولانسکی و ایده‌آلهایش از یک سینمای مولف «منحصر به‌خود» داشته‌باشد و با شناختی که از

پولانسکی از طریق فیلمهای گذشته‌اش داریم ، به راحتی می‌توانیم قضاوت کنیم که اثری مثل مکبث ، بهترین استفاده‌ها را به عنوان دستمایه کار فیلمسازی مثل پولانسکی داشته‌است .

اثر تراژدی مکبث ، پیش از این چندو رسوین سینمایی دیگر هم عرضه شده که در این میان از همه معروفتر ، فیلمی است که اورسون ولز به سال ۱۹۴۸ ساخت و نیز فیلمی به اسم « اریکه خونین » که آکیرا کوروساوا به سال ۱۹۵۷ ساخت (این فیلم در برنامه نمایش پانزده فیلم کوروساوا در آرشو فیلم ایران ، تحت عنوان « قصری در نارویدو عنکبوت » نشان داده شد) و پس از این دو ، پولانسکی در رسوین سینمایی تازه و بسیار وفادارانه‌ای از مکبث را به سال ۱۹۷۱ ساخته است ، یعنی درست در سالها تیکه دیگری که تم فیلمسازی تمایلی به فیلم کردن وفادارانه و عقیدت‌گرا به نمایشنامه تاریخی نشان می‌دهد ، پولانسکی آمده و تنها با دستکاریهای چشم‌پوشیدنی ، فیلمی براساس تراژدی مکبث ساخته است ، فیلمی که گرچه بسیار « گردن کلفتی » آن می‌نماید ، اما بهترین کار پولانسکی نیست و پشت « گردن کلفتی » آن بیشتر شکسپیر ایستاده‌است تا پولانسکی .

مساله در واقع بر سر اقتباس سینمایی یک اثر ادبی است ، فیلم کردن جزء به‌جزء یک ناول یا یک نمایشنامه ، تا آنجا که تاریخ اقتباسهای سینمایی متن‌های ادبی نشان می‌دهد ، هیچوقت نتایج توفیق آمیزی نداشته‌است ، چرا که اکثر سازندگان اینس قبول فیلمها بخاطر وفادارانه‌مان به کار خالق اثر ادبی ، در جریان کار سه تدریج خودشان را گم کرده‌اند و به صورت مطیع محض اندیشه‌های خالق اثر ادبی در آمده‌اند در صورتیکه فیلم کردن یک متن ادبی ، نوعی « خلق دوباره » اثر است و این « بازآفرینی » تنها از طریق وجود معارضه‌های فکری بین فیلمساز و خالق اثر ادبی است که تحقق می‌یابد . یعنی فیلمی که به این طریق ساخته می‌شود ، هویتی کاملاً جدا از هویت اثر مورد اقتباس دارد و تنها به وسیله یک رشته پیوندهای نارابطی و « اثر ادبی » در ارتباط می‌ماند .

یکی از آرزوهای اورسون ولز در کار فیلمسازی ، ساختن فیلمی براساس ناول معروف جنتا تو مکانات و داستایوسکی بود ، اما وقتی که به‌طور جدی تصمیم به ساختن این فیلم گرفت و به همین منظور یک بار دیگر ناول را به دقت و تأنی خواند ، اعلام کرد که این فیلم را نخواهد ساخت و دلیل آن بود که « احساس کردم در مورد جزء به‌جزء مسائل این ناول با داستایوسکی هم‌عقیده هستم و بنابراین لزومی به باز سازی آن ندارم » . در واقع چیزی که ولز در فیلم کردن این ناول یافته همان امکان معارضه فکری بین خودش و داستایوسکی بوده ، و ولز بخوبی می‌دانسته که توافق کامل ایده‌های او با داستایوسکی ، خلق « اثر » تازه‌ای را متوجه نخواهد داد . در رسوینوی که کوروساوا بر اساس « مکبث » ساخت ، این برخورد اندیشه‌ها و نظر گاههای شخصی کاملاً بچشم می‌خورد .

البته کوروساوا داستان مکبث را کاملاً لوکالیزه کرده بود و حتی عنوانی غیر از مکبث هم به فیلمش داده بود (اریکه خونین) اما اینها تنها تمیزاتی در سطح کار بود ، چیزی که به فیلم اعتبار می‌بخشید ، تالیفی دونوع جهان بینی خاص بود ، جهان‌بینی کلاسیک شکسپیر ، و جهان بینی شرقی « متاثر از تعالیم بودائی » کوروساوا .